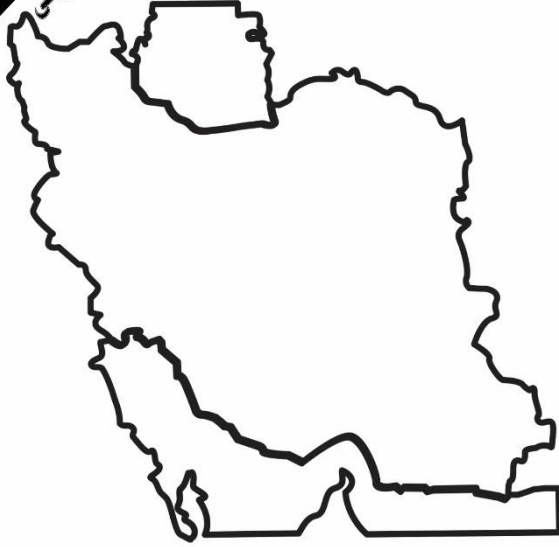


احمد روغنی

ملک سرزمین

تحلیل و بررسی خطاهاى مدیریتی



سر شناسه و تاریخ نشر: روغنی ، احمد ۱۴۰۳ مهر

عنوان و پدیدآور: مرگ سرزمین / احمد روغنی

مشخصات ظاهری: ۱۳۴ صفحه ، A5

موضوع: تحلیل و بررسی خطاهای مدیریتی

Mr.Ahmad.Roghani62@Gmail.com



۷----- مقدمه

۸----- معرفی موضوع و اهمیت آن

۹----- هدف کتاب و مخاطبان هدف

۱۰----- تاریخچه علم مدیریت

۱۱----- فصل اول: تعریف و اهمیت مدیریت

۱۱----- تعریف مدیریت

۱۲----- اهمیت مدیریت در سازمان‌ها

۱۳----- نقش مدیران در موفقیت سازمان

۱۳----- فصل دوم: خطاهای رایج مدیریتی

۱۴----- معرفی خطاهای رایج و راه‌های بهبود وضعیت مدیریت

۱۹----- تحلیل محیطی و بازار

۲۱----- مثال‌هایی از خطاهای مدیریتی در سازمان‌ها

فصل سوم: خطاهای مدیریتی در امور کلان

۲۲----- خطاهای مدیریتی در سیستم مالیاتی

۲۵----- خطاهای مدیریتی در بودجه

۳۱----- خطای مدیریت مالی

فصل چهارم: بررسی و تحلیل برخی از خطاهای مدیریتی

۳۴----- بحران مهاجرات افغان‌ها به ایران

۳۹----- بحران آبی اصفهان

- بحران سد گتوند ----- ۴۲-
- برج میلاد ----- ۴۵-
- خطاهای مدیریتی در ورزش ----- ۴۶-
- بحران های محیط زیست ----- ۶۳-
- بحران قاچاق ----- ۶۶-
- کمبود و آلودگی منابع آب ----- ۶۸-
- شرکت های دانش بنیان ----- ۷۸-
- بحران مسکن ----- ۸۰-
- بحران سه گانه ترافیک، بزرگراه، حاشیه نشینی ----- ۸۷-
- خطاهای مدیریتی در بانک ها ----- ۹۸-
- خطاهای مدیریتی در فرهنگ ----- ۱۰۷-
- خطاهای مدیریتی در صنعت نفت ----- ۱۱۲-
- خطاهای مدیریتی در شهرداری ها ----- ۱۱۸-
- خطای مدیریتی در قانون گذاری ----- ۱۲۲-
- خلاصه ای از مطالب کتاب ----- ۱۳۱-
- توصیه های نهایی برای مدیران ----- ۱۳۲-
- منابع و مراجع ----- ۱۳۴-

مرگ سرزمین

مقدمه:

علم مدیریت علمی مغفول مانده در جهان است و در ایران اصلاً اعتقادی به آن وجود ندارد، در این کتاب قصد داریم به بررسی جایگاه علم مدیریت در ایران بپردازیم.

قرن هاست که در ایران از جایگاه علم مدیریت مورد غفلت قرار گرفته است. با مدیریت در ایران با دید کوتاه مدت و به شیوه جناحی و قومی-قبیله ای برخورد می شود.

متأسفانه مدیریت جامعه در دست کسانی ست که هیچ تخصص و تجربه مدیریتی ندارند و در کل به مدیریت به دید تخصص و علم نگاه نمی کنند و هر شخص با هر مدرک و تجربه ای را به پست های مدیریتی می گمارند، در کل می توان گفت در ایران کسی به علم مدیریت اعتقادی ندارند.

جدا از این مسئله، کسانی که اشتباهها در این جایگاه قرار گرفته اند، حتی از تجربه های خود و گذشتگان هم استفاده نمی کنند و بارها اشتباهات برای کسانی که به اشتباه در جایگاه اشتباه مدیریتی تکیه زده اند تکرار می شود بدون اینکه به تجربه تبدیل شود و از آن درس بگیرند، زیرا به دنبال منافع مادی هستند که

می دانند برای مدت کوتاهی در تصاحب آن هاست و باید در این مدت حداکثر بهره برداری را به بدترین و پرهزینه ترین شیوه از این منابع مادی ببرند.

سعی می کنیم به تعدادی تجربه های مدیریت های موفق و شکست خورده در ایران و جهان پردازیم و تاثیر آن ها را در آینده کشورها بررسی کنیم.

معرفی موضوع و اهمیت آن

در این کتاب قصد داریم به علل تکرار چند باره خطاهای مدیریتی پردازد، چرا از تجربه خطاهایی که قبلا در کشورمان یا کشورهای دیگر تجربه شده استفاده نمی کنیم و آن خطاها را نه یک بار ، بلکه بارها تکرار می کنیم و بر درست بودن این خطاها اصرار داریم.

تکرار مکرر این اشتباهات، عامدانه باشد یا غیر عمد، منجر به **مرگ سرزمین** می شود.

این کتاب با استفاده از مثال های واقعی و تحقیقات علمی، به شما نشان می دهد که چگونه می توانید از خطاهای رایج مدیریتی اجتناب کنید و تصمیمات بهتری بگیرید. امیدواریم که این کتاب بتواند به عنوان یک راهنمای عملی و مفید برای تمامی مدیران و رهبران سازمان ها مورد استفاده قرار گیرد.

مدیریت مؤثر و کارآمد، پایه و اساس موفقیت هر سازمان و نهاد است. اما در دنیای پیچیده امروز، سازمان‌ها با چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند که می‌تواند به خطاهای مدیریتی منجر شود. این خطاها می‌توانند از عدم برنامه‌ریزی استراتژیک و ضعف در تصمیم‌گیری گرفته تا مشکلاتی نظیر سیاست‌زدگی و عدم توجه به نیازهای کارکنان، تنوع داشته باشند. درک عمیق این خطاها و تلاش برای شناسایی و اصلاح آن‌ها می‌تواند به ارتقاء عملکرد سازمان‌ها، افزایش بهره‌وری و دستیابی به اهداف بلندمدت کمک کند. خطاهای مدیریتی، به‌ویژه زمانی که در زمینه‌هایی مانند شایسته‌سالاری، ارتباطات و استفاده از فناوری‌های نوین اتفاق می‌افتد، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر موفقیت سازمان‌ها داشته باشد. از این‌رو، توجه به این مسائل و تلاش برای بهبود فرآیندها، در ایجاد یک سازمان پویا و موفق نقش اساسی دارد.

-هدف کتاب و مخاطبان هدف

در دنیای پیچیده و پویای کسب‌وکار، تصمیم‌گیری‌های مدیریتی نقش حیاتی در موفقیت یا شکست سازمان‌ها ایفا می‌کنند. با این حال، حتی مدیران با تجربه نیز ممکن است در دام خطاهای رایج مدیریتی گرفتار شوند. این کتاب به بررسی این خطاها و ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از آن‌ها می‌پردازد.

هدف اصلی این کتاب، آشنا کردن مدیران با انواع خطاهای تصمیم‌گیری و مدیریتی است که می‌تواند به کاهش کارایی و اثربخشی سازمان منجر شود. از جمله این خطاها می‌توان به

سوگیری‌های شناختی، تصمیم‌گیری‌های احساسی، و عدم توجه به داده‌های مهم اشاره کرد. با مطالعه این کتاب، مدیران می‌توانند با شناخت بهتر این خطاها و استفاده از راهکارهای پیشنهادی، کیفیت تصمیمات خود را بهبود بخشند و سازمان خود را به سوی موفقیت هدایت کنند.

تاریخچه علم مدیریت

مدیریت در ایران باستان، به خصوص در دوران هخامنشیان، شاهد نمونه‌های برجسته‌ای از سازماندهی و مدیریت بوده، اداره امور سپاه، سازماندهی ارتش و مدیریت سیستم پست، نشان‌دهنده مهارت‌های مدیریتی پیشرفته در آن زمان است.

بعدها این دانش و چارت مدیریتی حفظ شد ولی مدیریت به دست اشخاص نا کارآمد رسید و نتیجه خطاهایشان به سقوط امپراطوری منجر شد ولی دانش آن حفظ شد و به دست بیگانگان و فاتحان افتاد و با استفاده از همان علم قرن‌ها بر ایران حکومت کردند.

تاریخچه مدیریت به شیوه مدرن در جهان به دوران‌های قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد، زمانی که سومریان به ثبت فعالیت‌های اداری و تجاری خود می‌پرداختند.

با این حال، تحول عمده در مدیریت با آغاز انقلاب صنعتی رخ داد. در این دوران، افرادی مانند فردریک تیلور با ارائه اصول مدیریت علمی، به توسعه دانش مدیریت کمک کردند

این تحولات به ویژه در قرن هفدهم و هجدهم میلادی، زمانی که جوامع بشری بزرگ‌تر شدند و کسب‌وکارهای کوچک جای خود را به سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ دادند، شتاب گرفت.

فصل اول: تعریف و اهمیت مدیریت

تعریف مدیریت

مدیریت به عنوان یک دانش و هنر، همواره بخشی از تمدن بشری بوده و با پیشرفت جوامع و نیازهای آن‌ها، تکامل یافته است. از مدیریت خانواده و کوچک‌ترین واحدهای اجتماعی گرفته تا مدیریت امپراتوری‌ها و سازمان‌های بزرگ، همگی نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه مدیریت در طول تاریخ هستند.

اما متأسفانه کسی پی به اهمیت جایگاه مدیریت نبرده است و تصور می‌کنند، مدیر بودن فقط به دستور دادن، امر و نهی ختم می‌شود و این فرمان‌ها باید تحت هر شرایطی اجرایی گردند و این را نشانه قدرت مدیریت خود می‌دانند به همین دلیل وقتی متوجه می‌شوند دستوری که داده‌اند، انجام شدنی نیست با تبلیغات یا افتتاح‌های سوری وانمود می‌کنند ما این کار را کرده

ایم ولی بعد از مدتی وقتی جامعه خروجی این پروژه را در زندگی خود نمی بیند، مشخص می شود که کاری صورت نگرفته است ، بعضی از مواقع هم با جا به جایی مدیران مشخص می شود که فقط پول بیت المال به یغما رفته است ، تکنیک دیگری که این دسته از مدیران از آن استفاده می کنند تکنیک (دشمن نداشت) ، جدا از دروغ بودن این شعار ، اصلاً هنر مدیریت این است که توطئه های دشمن را خنثی کند ، این توطئه ها می تواند در حد ملی یا حتی رقابت بین دو مغازه کوچک در محله ای کوچک باشد.

تکنیک روانی دیگری که مدیران از آن سوء استفاده می کنند تا بی لیاقتی آنها در انجام کاره مشخص نشود ، تکنیک پروژه های زیر بنایی ست ، با استفاده از این تکنیک مدیران نمایان شدن آثا کارهایشان را به آینده ای دور مکول می کنند.

اهمیت مدیریت در سازمانها

مدیران رانتهی فکر می کنند جایگاه مدیریت مانند همای افسانه ای ست که سایه اش بر هر کس بیفتد به سعادت و کامرانی می رسد و بعد از آن هر کاری بخواهند می کنند، به همین دلیل لاف چیزی را می زنند که نیستند ، کارهای نکرده اشان را به رخ دیگران می کشند، ولی مدیران واقعی همانند همای واقعی نماد فر و شکوه هستند ولی سهمشان از مدیریت دقیقاً مثل همای واقعی استخوان است و زمانی به کار می آیند که کارد به استخوان رسیده باشد، درست زمانی که منابع را ناکارآمدها هدر داده اند.

باید این را همگان بدانند که فقط مدیران کارآمد و کار بلد در واقعیت جامعه و کشور را به سعادت و کامرانی می رسانند و مدیران ناکار آمد با ادامه خطاهایشان به مرگ سرزمین منجر می شوند، حادثه ای که الان هم متأسفانه می توان نشانه های آن را به وضوح دید.

نقش مدیران در موفقیت سازمان

برنامه ریزی و تدوین استراتژی با تحلیل محیط کسب و کار و تعیین اهداف، حل مسائل و تصمیم گیری در موقعیت های چالش برانگیز با رویکرد تحلیلی و استراتژیک، هدایت و رهبری با ایجاد انگیزه و الهام در تیم ها، مدیریت منابع - مالی و فنی را بر عهده دارند و با بهره گیری بهینه از این منابع، برقراری ارتباطات مؤثر با دستگاه ها و افراد تا اطلاعات به درستی منتقل شود، توسعه و مربیگری با ارائه فرصت های آموزشی و توسعه حرفه ای، ایجاد فرهنگ سازمانی با تعیین ارزش ها و اصول سازمان، نظارت و کنترل فرآیندهای عملیاتی و عملکرد سازمان را نظارت و کنترل کنند تا اهداف تعیین شده به درستی دنبال شوند.

فصل دوم: خطاهای رایج مدیریتی

برای بررسی دقیق تر خطاهای مدیریتی در ایران، می توان این خطاها را در بخش های مختلف سازمان ها و در سطوح مختلف مدیریتی بررسی کرد.

مدیریت مؤثر و کارآمد، پایه و اساس موفقیت هر سازمان و نهاد است. اما سازمان‌ها با چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند که می‌تواند به خطاهای مدیریتی منجر شود. این خطاها می‌توانند از عدم برنامه‌ریزی استراتژیک و ضعف در تصمیم‌گیری گرفته تا مشکلاتی نظیر سیاست‌زدگی و عدم توجه به نیازهای کارکنان، تنوع داشته باشند. درک عمیق این خطاها و تلاش برای شناسایی و اصلاح آن‌ها می‌تواند به ارتقاء عملکرد سازمان‌ها، افزایش بهره‌وری و دستیابی به اهداف بلندمدت کمک کند. خطاهای مدیریتی، به‌ویژه زمانی که در زمینه‌هایی مانند شایسته‌سالاری، ارتباطات و استفاده از فناوری‌های نوین اتفاق می‌افتد، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر موفقیت سازمان‌ها داشته باشد. از این‌رو، توجه به این مسائل و تلاش برای بهبود فرآیندها، در ایجاد یک سازمان پویا و موفق نقش اساسی دارد.

معرفی خطاهای رایج و راه‌های بهبود وضعیت مدیریت

سیاست‌زدگی : تصمیمات مدیریتی در ایران بیشتر بر اساس معیارهای سیاسی و ایدئولوژیک گرفته می‌شود تا معیارهایی مثل شایستگی و تخصص، این مسئله باعث شده که افراد نالایق و چاپلوس در پست‌های مدیریتی قرار گیرند و کارایی سازمان‌ها کاهش یابد.

از تأثیرات سیاست‌زدگی در بسیاری از وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی، انتصاب افراد نالایق و فاقد تخصص در پست‌های مدیریتی است. این افراد به دلیل وابستگی‌های سیاسی و نه به دلیل شایستگی‌های حرفه‌ای منصوب می‌شوند، که به کاهش

کارایی سازمان‌ها منجر شده است، همچنین سیاست‌زدگی باعث کاهش انگیزه و روحیه کارکنان شده است. وقتی کارکنان می‌بینند که انتصاب‌ها و ارتقاءها بر اساس شایستگی نیست، انگیزه خود را برای کار و تلاش از دست می‌دهند، افراد منصوب شده به دلیل وابستگی‌های سیاسی از منابع دولتی سوءاستفاده می‌کنند و به فساد دامن می‌زنند که باعث کاهش اعتماد عمومی به دولت و نهادهای دولتی شده است. مردم وقتی ببینند که تصمیمات بر اساس معیارهای سیاسی گرفته می‌شود، اعتماد خود را به سیستم از دست می‌دهند. این فسادها شامل رشوه‌گیری، سوءاستفاده از منابع دولتی و تقلب در قراردادهای می‌باشد. فساد اداری باعث کاهش اعتماد عمومی به دولت و کاهش کارایی نظام اداری شده است.

سیاست‌زدگی به تأخیر و ناکارآمدی در اجرای پروژه‌های ملی منجر شده است. به عنوان مثال، پروژه‌های عمرانی و زیرساختی که به دلیل تصمیمات سیاسی نادرست به تأخیر افتاده‌اند.

در مواقع بحران، تصمیمات سیاسی به مدیریت نادرست بحران‌ها منجر شده است. به عنوان مثال، در برخی موارد در بحران‌های طبیعی مانند سیل و زلزله، تصمیمات سیاسی نادرست به افزایش خسارات و کاهش کارایی کمک‌های امدادی منجر شده است.

نبود برنامه‌ریزی استراتژیک: بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دولتی در ایران فاقد برنامه‌ریزی استراتژیک جامع و کارآمد هستند. این مسئله باعث می‌شود که تصمیمات مدیریتی به‌طور

موقت و بدون در نظر گرفتن اهداف بلندمدت گرفته شوند، که به ناکارآمدی و هدررفت منابع شامل کنترل منابع - اهداف بلندمدت، تحلیل محیط داخلی و خارجی، تعیین اهداف، تدوین راهبردها و اجرای آنها است منجر شود، سازمان‌هایی که برنامه‌ریزی استراتژیک ندارند، نمی‌توانند به‌طور مؤثر با تغییرات محیطی و چالش‌های جدید مواجه شوند. این مسئله می‌تواند به کاهش رقابت‌پذیری و پایداری سازمان‌ها منجر شود که همین امر سبب شده بسیاری از پروژه‌های عمرانی و زیرساختی در ایران مثل آزاد راه تهران-شمال یا نیروگاه اتمی بوشهر به دلیل نبود برنامه‌ریزی استراتژیک ناتمام مانده یا به‌طور ناکارآمد اجرا شده‌اند. این مسئله باعث هدررفت منابع و کاهش کارایی این پروژه‌ها شده است، بسیاری از تصمیمات مدیریتی در ایران به‌طور موقت و بدون در نظر گرفتن اهداف بلندمدت گرفته می‌شوند به همین دلیل نمی‌توانند به‌طور مؤثر با بحران‌ها و چالش‌های جدید مواجه شوند که به ناکارآمدی و کاهش کارایی سازمان‌ها می‌انجامد و توان مواجهه مؤثر با بحران‌ها و چالش‌های جدید را ندارند.

عدم شفافیت : وقتی اطلاعات و فرآیندهای تصمیم‌گیری به‌طور کامل و واضح در دسترس عموم قرار نگیرد، به کاهش اعتماد عمومی و افزایش فساد منجر می‌شود.

همچنین عدم شفافیت باعث می‌شود که اطلاعات به‌طور نادرست و ناقص به دست مدیران برسد و تصمیمات نادرستی گرفته شود، یکی از رایج‌ترین نمونه‌های عدم شفافیت، عدم

شفافیت در قراردادهای دولتی و انتصاب های مدیریتی ست که این مسئله به تقلب و سوءاستفاده از منابع دولتی ، انتصاب افراد نالایق و فاقد تخصص که به کاهش کارایی منجر می شوند.

عدم شفافیت در فرآیند بودجه بندی و تصمیم گیری های کلان به هدررفت منابع و کاهش کارایی منجر شده است. وقتی اطلاعات به طور کامل و واضح در دسترس نباشد، امکان سوءاستفاده از منابع و تصمیمات نادرست افزایش می یابد.

ضمن اینکه بسیاری از مدیران برای در امان ماندن از چالش ها تمایل به روش های قدیمی دارند و از پذیرش تغییرات و نوآوری ها خودداری می کنند. این مسئله به کاهش کارایی و رقابت پذیری سازمان ها منجر می شود.

طراحی و اجرای سیاست های مدیریتی شفاف و جامع برای افزایش کارایی و کاهش فساد، ارائه آموزش های لازم به مدیران برای افزایش توانمندی های مدیریتی و تخصصی آنها، ایجاد فرهنگ سازمانی در جهت نوآوری و تغییر ، افزایش شفافیت در فرآیندهای مدیریتی و تصمیم گیری برای کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی لازم و ضروری ست.

فساد اداری : خلاءهای قانونی و عدم شفافیت باعث سوءاستفاده از قدرت و موقعیت اداری برای منافع شخصی یا

گروهی شده است که منجر به رشوه‌گیری، سوءاستفاده از منابع دولتی، تقلب در قراردادهای شامل واگذاری قراردادها به شرکت‌های خاص بدون رعایت مقررات مناقصه و مزایده و سایر فعالیت‌های غیرقانونی شده است، که در برخی از موارد با آنها برخورد شده است. فساد سیستماتیک و اداری سبب کاهش اعتماد عمومی مردم به دولت و نهادهای نیمه دولتی و عدم کارایی و اثر بخشی سازمان‌ها و سوء استفاده از منابع دولتی شده است که باعث افزایش هزینه‌های دولتی و ایجاد سازمان‌ها و ساختارهای موازی و فسادهای عظیم مالی شده است. فساد اداری به تضعیف عدالت اجتماعی منجر شده، افرادی که توان پرداخت رشوه را دارند و یا دارای نفوذ هستند، به خدمات و منابع بیشتری دسترسی پیدا می‌کنند و حقوق دیگران را نیز تضییع می‌کنند، که دلیل آن استخدام افراد نالایق و فاقد تخصص به دلیل وابستگی‌های سیاسی یا پرداخت رشوه است که این مسئله به کاهش کارایی و اثربخشی سازمان‌ها منجر شده است.

برای کاهش فساد اداری در مدیریت ایران نیاز به افزایش شفافیت در فرآیندهای مدیریتی و تصمیم‌گیری، ایجاد سیستم‌های نظارتی و بازرسی قوی، ارائه آموزش‌های لازم به مدیران و کارکنان برای افزایش آگاهی و ایجاد فرهنگ سازمانی که شایسته‌سالاری را ترویج دهد.

مقاومت در برابر تغییر :

بسیاری از سازمان ها و مدیران در برابر تغییر به هر نوع نگرش یا رفتاری مقاومت می کنند که مانع از پذیرش یا اجرای تغییرات می شود. این مقاومت به صورت آشکار یا پنهان، آگاهانه یا ناآگاهانه، و در سطح فردی یا سازمانی رخ می دهند، که علت آن وجود مدیران رانته و غیر متخصص است که درکی از جایگاهی که در آن قرار گرفته اند ندارند. به همین دلیل دچار ترس می شوند زیرا نمی دانند چه چیزی در پس این تغییر در انتظارشان است و اینکه چگونه در برابر چالش هایی که بر اثر تغییر رخ می دهد واکنش نشان دهند و نمی توانند از ساحل امنی که به راحتی نصیبشان شده دل بکنند و عادت های خود و سازمان را تغییر دهند، زیرا نمی دانند در پس این تغییرات چه چیزی در انتظارشان است و احساس می کنند که کنترل نصفه و نیمه ای را هم که بر سازمان دارند را از دست بدهند و ترس این را دارند که منافع شخصی شان به خطر افتد که این احساس خطر ناشی از ضعف شخصیت و مدیریت است.

تحلیل محیطی و بازار

انجام تحلیل به سازمان ها و مدیران برای شناسایی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدیدها کمک می کند تا فرصت های موجود در محیط خارجی را شناسایی کنند.

تحلیل های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی، زیست محیطی و قانونی به شناسایی تغییرات و روندهای محیطی کمک می کند و باعث ایجاد فرصت های جدید می شود.

راه های انجام یک تحلیل :

نظرسنجی از کارکنان برای جمع‌آوری بازخورد از کارکنان در مورد فرصت‌های نادیده ، شناسایی و ایجاد فرصت هایی که وجود دارد و از آن‌ها غفلت شده و فرصت‌های جدید.

تحلیل عملکرد حال و گذشته در مورد بررسی پروژه‌های ناتمام و تحلیل داده‌های مالی و عملکردی سازمان برای شناسایی فرصت‌های از دست رفته و دلایل آن‌ها.

مشارکت با ذینفعان خارجی و مشاوره با کارشناسان برای شناسایی فرصت‌های جدید و همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی جهت شناسایی فرصت‌های نوآوری و تحقیقاتی

استفاده از فناوری‌های نوین و تحلیل داده‌ها برای شناسایی روندها و فرصت‌های جدید با استفاده از پلتفرم‌های نوآوری باز برای جمع‌آوری ایده‌ها و فرصت‌های جدید از منابع خارجی.

ایجاد فرهنگ سازمانی که نوآوری و تغییر را تشویق کند و پاداش‌دهی به کارکنانی که ایده‌های نو و فرصت‌های جدید را شناسایی و پیشنهاد می‌دهند

بررسی عملکرد رقبا و مطالعه موردی سازمان‌های موفق برای شناسایی فرصت‌هایی که آن‌ها بهره‌برداری کرده‌اند و سازمان شما نادیده گرفته است و دلایل موفقیت آنها.

برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای مدیران و کارکنان در زمینه شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌ها و افزایش توانمندی‌ها این

راهکارها می‌توانند به سازمان‌ها کمک کنند تا فرصت‌های نادیده گرفته شده را شناسایی کرده و از آن‌ها بهره‌برداری کنند.

مقاومت در برابر تغییر به کاهش بهره‌وری، کارایی و اثربخشی سازمان‌ها منجر می‌شود و هزینه‌ها را افزایش می‌دهد و سبب افزایش تنش‌ها، کاهش انگیزه کارمندان و کارگران می‌شود.

مثال‌هایی از خطاهای مدیریتی در سازمان

عدم توجه به موفقیت‌های کارمندان، برگزاری جلسات بی‌نتیجه، القای ترس و تهدید امنیت شغلی، تصمیم‌گیری‌های نادرست در استخدام و مدیریت ضعیف تغییرات منجر به خطاهای مدیریتی می‌شوند که برای نمونه یک سازمان بزرگ را بررسی می‌کنیم:

شرکت نوکیا در دهه ۲۰۰۰، یکی از بزرگترین تولیدکنندگان تلفن همراه در جهان بود. اما به دلیل چندین خطای مدیریتی، این شرکت به تدریج بازار خود را از دست داد. یکی از بزرگترین خطاهای مدیریتی نوکیا، عدم توجه به تغییرات سریع در بازار و عدم تطبیق با تکنولوژی‌های جدید مانند سیستم‌عامل‌های هوشمند بود. مدیران نوکیا به جای سرمایه‌گذاری در توسعه سیستم‌عامل‌های جدید و رقابت با اندروید و iOS، به سیستم‌عامل قدیمی سیمبین پایبند ماندند. این تصمیم نادرست باعث شد که نوکیا نتواند با رقبا همگام شود و در نهایت سهم بزرگی از بازار را از دست داد.

فصل سوم : خطاهای مدیریت در امور کلان

خطاهای مدیریت در سیستم مالیاتی

سیستم مالیاتی ایران با هدف ارائه خدمات الکترونیکی به مودیان طراحی شده ، ولی تبعیض و تصمیم گیری های اشتباه در سیستم مالیاتی سبب ناکارآمدی این سیستم و در نهایت کاهش درآمد دولت و فشار به بودجه شده است ، همچنین این تبعیض سبب فشار بر بخش خصوصی شده زیرا تاوان این تصمیمات اشتباه را باید بدهد و به نحوی کسری درآمد دولت را تامین کند.

با معاف شدن نهاد ها و بنیادهایی که به امور اقتصادی کلان مشغولن و به دلیل دسترسی آن ها به منابع و ثروت نامحدود و همچنین دسترسی به مقامات و کارگزاران حکومت، تبدیل به رقیبی برای بخش خصوصی شده اند ، که این رانت ها و تبعیض ها، رقابت با آن ها غیر ممکن کرده است و سبب خروج بخش خصوصی از اقتصاد شده است، با خارج شدن بخش خصوصی و متعاقب آن کاهش درآمد مالیاتی ، فشار بر بودجه و دولت افزایش می یابد ضمن اینکه بخشی از نیروی متخصص از بازار خارج می شود و موجب افزایش بیکاری می شود، همچنین معافیت معالیاتی نهادها و بنیادها سبب فشار بر قشر کارگر و کارمند می شود، زیرا سیستم مالیاتی برای جبران کسری خود، دست به حربه هایی می زند تا بتواند مالیات بیشتری از قشر

مستضعف جامعه دریافت کند، یکی از این حربه‌ها این است که بارها و بارها از مصرف‌کننده بابت یک محصول به صورت مستقیم و غیرمستقیم مالیات دریافت می‌کند، این تصمیم‌گیری‌های اشتباه سیستم مالیاتی، که شاهره‌های حیاتی مالی کشور است سبب ایجاد اخلاص‌های سلسه‌وار و تصمیم‌گیری‌های اشتباه در تمام بخش‌های کشور شده است و به قول معروف خشت اول گر نهد معمار کج، تا ثریا می‌رود دیوار کج اما در حقیقت دیوار کج بالا نمی‌رود، بلکه بر سر محرومین فرو می‌ریزد.

برای حل این مشکل سیستم مالیاتی باید در خود تغییرات بنیادی را ایجاد کند که شامل:

تغییر روش مالیات‌ستانی، از نظام منبع‌محور به مالیات مجموع درآمد خالص به شفافیت بیشتر و کاهش فرار مالیاتی کمک می‌کند، ساماندهی معافیت‌ها و پذیرش هزینه‌های معیشتی به عنوان هزینه‌های قابل کسر از درآمد، کاهش بار مالیات بر تولید با هدف تشویق سرمایه‌گذاری و حمایت از تولید داخلی، البته حمایت را نباید مساوی با انحصار دانست و باید از ایجاد انحصار جلوگیری کرد، پیاده‌سازی نظام مالیاتی هوشمند داده‌محور برای افزایش دقت و کاهش خطاهای انسانی در فرآیند مالیات‌ستانی میشود.

باید توجه داشت که مشاغل کوچک و متوسط با مشکلات مالی و اقتصادی مواجه هستند. رکود، تحریم و تورم نیز بر این

مشکلات افزوده اند. سیستم مالیاتی هم به جای آنکه مرحمی بر زخم باشد، نمک بر زخم شده است، از جانب دیگر سیستم بانکی کشور با ایجاد محدودیت های فراوان در برداشت و جا به جایی پول و همچنین ایجاد سقف پولی که موجب تبدیل حساب بانکی به تجاری و مشمول مالیات می شوند بر فشار بر تمام اقشار مردم و کسب و کارها افزوده است.

با سوء استفاده از اشکالات سیستم مالیاتی و خلاهای قانونی و سو مدیریت ها، برخی از اشخاص فعالیت های خود را در پوشش موسسات خیریه، موسسات آموزشی و پژوهشی که در پوشش غیر انتفاعی فعالیت می کنند از مالیات معاف شده اند ولی برعکس کاملا انتفاعی هستند، همچنین در موقوفات، زیرا بسیاری اشخاص از طریق موقوفه ها کسب درآمدهای کلان و در جهت منافع شخصی می کنند، در برخی از باشگاه های ورزشی و فعالیت های انتشاراتی و مطبوعاتی نیز به صورت کاملا عیان فعالیت های تجاری کلان صورت می گیرد مخصوصا در باشگاه های ورزشی حرفه ای، این بخش ها به دلیل اینکه در جهت خدمت به مردم طراحی شده اند از مالیات معاف شده اند ولی تبدیل به بنگاه های بزرگ مالی و ابزاری در جهت سوء استفاده های کلان مالی شده اند.

خطاهای مدیریتی در بودجه

بودجه ریزی در ایران با چالش های متعددی روبرو است، از یک طرف حداقل ۵۰ درصد از اقتصاد کشور از مالیات معاف است که این معافیت باعث فشار بر بودجه می شود از سوی دیگر

بخشی از سازمان هایی که به آن ها بودجه تعلق می گیرد هیچ گونه خروجی ندارند و به نوعی با لابی گری به داخل بودجه راه یافته اند، از سوی دیگر وابستگی به درآمدهای نفتی باعث شده که نوسانات قیمت نفت تأثیر زیادی بر بودجه بگذارد، که باعث کسری بودجه دولت شده است، این کسری به دلیل عدم تحقق درآمدهای پیش بینی شده و افزایش هزینه ها به وجود آمده و تحریم های نفتی و مالی به مشکلات آن افزوده است، متأسفانه تأثیر نفت بر دولت و بودجه مثل تأثیر هروئین بر انسان است وقتی دولت به درآمدهای کلان نفتی دسترسی دارد حس قهرمانی به آن دست می دهد و سرمست از این درآمدها با لذت و بدون نگاه به آینده به هزینه آن می پردازد اما این لذت ها تا زمانی ادامه پیدا می کند که این درآمدها و افزایش قیمت نفت ادامه داشته باشد و با توقف و یا کاهش درآمدهای نفتی این دمل چرکی سر باز می کند و کشور را به بحران می کشاند.

برای جبران این کسری، دولت به چاپ پول و افزایش مالیات ها متوسل شد که منجر به تورم و رکود اقتصادی شده است.

یکی دیگر از مشکلات اساسی این است که درآمدهای پایدار و قابل اتکا برای دولت وجود ندارد. این مسئله باعث شده که دولت نتواند برنامه ریزی بلندمدت و مؤثری برای توسعه اقتصادی داشته باشد.

همچنین عدم انضباط مالی و مدیریت ناکارآمد منابع مالی باعث شده که هزینه ها به درستی کنترل نشوند و منابع مالی به صورت بهینه تخصیص نیابند، زیرا مشکلات ساختاری سبب

عدم تطابق بودجه با برنامه‌های توسعه‌ای و اهداف بلندمدت اقتصادی شده است. این مشکلات باعث شده‌اند که بودجه‌ریزی در ایران نتواند به عنوان ابزاری مؤثر برای توسعه اقتصادی عمل کند و به جای آن، به عاملی برای افزایش مشکلات اقتصادی تبدیل شود.

برای بهبود اوضاع بودجه‌ریزی باید وابستگی به نفت کاهش یابد و با تنوع‌بخشی به منابع درآمدی به پایداری بودجه کمک کرد. این امر می‌تواند از طریق توسعه صنایع غیرنفتی و افزایش صادرات غیرنفتی محقق شود و با ایجاد شفافیت در فرآیند بودجه‌ریزی و اجرای آن به کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی کمک کند. این شفافیت می‌تواند از طریق انتشار عمومی اطلاعات مالی و گزارش‌های دوره‌ای حاصل شود.

استفاده از سیستم‌های مدرن مدیریت مالی و افزایش کارایی در تخصیص منابع می‌تواند به بهبود بودجه‌ریزی کمک کند، ایجاد و توسعه منابع درآمدی پایدار به گونه‌ای که تاثیر منفی بر اقتصاد نداشته باشد مانند مالیات‌ها و عوارض در صورتی که هیچ بخشی از اقتصاد و صنعت از آن استثنا نشود می‌تواند به کاهش کسری بودجه کمک کند.

بی انضباطی بودجه‌ای و عدم رعایت قانون، حتی قانون اساسی که اصل پنجاه و سوم آن می‌گوید کلیه دریافت‌های دولت باید در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز باشد و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

اما بسیاری از سازمان ها حساب مخصوص خود را دارند و درآمدهای خود را اعلام نمی کنند که این موضوع حتی شامل شرکت های دولتی که مستقیماً زیر نظر دولت هستند و از بودجه دولت ارتزاق میکنند هم می شود.

همچنین بازنگری و اصلاح ساختار بودجه ریزی به گونه ای که با اهداف توسعه ای و بلندمدت کشور همخوانی داشته باشد و جلب مشارکت عمومی در فرآیند بودجه ریزی و تصمیم گیری های مالی که به افزایش کارایی و اثربخشی بودجه کمک کند.

عدم اصلاح بودجه به تورم های سنگینی منجر شده که سبب تأثیرات منفی گسترده ای بر اقتصاد کشور شده است و تبعات آن دامن گیر کشور و مردم شده است مثل: کاهش قدرت خرید و تورم که باعث افزایش قیمت کالاها و خدمات شده در نتیجه ، قدرت خرید کاهش یافته است. این مسئله به ویژه برای افرادی که درآمد ثابت دارند، مشکل ساز شده است، افزایش هزینه های تولید، قیمت مواد اولیه و نیروی کار را بالا برده است. این افزایش هزینه ها به افزایش قیمت نهایی محصولات منجر شده است.

تورم بالا باعث عدم اطمینان اقتصادی شده و سرمایه گذاران را از سرمایه گذاری در پروژه های جدید منصرف کرده است. این مسئله منجر به کاهش رشد اقتصادی شده است.

تورم ارزش واقعی پس اندازها را کاهش داده چون نرخ بهره پس اندازها کمتر از نرخ تورم است در نتیجه ارزش واقعی پول پس انداز شده کاهش می دهد.

تورم سبب توزیع ناعادلانه درآمد شده است. افرادی که دارای دارایی های ثابت مانند املاک هستند، از دارایی خود در برابر تورم مراقبت می کنند، در حالی که افرادی که درآمد ثابت و پایین دارند از تورم جا مانده و هر روز فقیرتر می شوند.

این تأثیرات نشان می دهند که تورم می تواند به مشکلات اقتصادی و اجتماعی گسترده ای منجر شود و کنترل آن برای حفظ ثبات اقتصادی بسیار مهم است.

برای جلوگیری و بهبود تورم در بودجه باید به انضباط مالی و کاهش هزینه های غیرضروری و مدیریت بهینه منابع مالی توجه کرد تا به کاهش کسری بودجه و جلوگیری از تورم کمک کند.

همچنین کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی ، افزایش شفافیت مالی و کنترل نقدینگی با کنترل انتشار پول و مدیریت نقدینگی از طریق ابزارهای پولی مانند نرخ بهره و فروش اوراق قرضه ، اصلاح ساختار بودجه ریزی و افزایش درآمدهای پایدار دیگر ابزارها برای کنترل تورم توسط بودجه است

این مشکلات نشان می دهند که مدیریت صحیح بودجه و کاهش کسری بودجه برای حفظ ثبات اقتصادی و اجتماعی بسیار مهم است.

برای کاهش کسری بودجه و بهبود مدیریت مالی، باید برخی از بخش‌های غیرضروری را در بودجه کاهش داد یا قطع کرد به عنوان مثال: بسیاری از مؤسسات فرهنگی و دینی بودجه‌های قابل توجهی دریافت می‌کنند، هزینه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای، پروژه‌های عمرانی غیرضروری، هزینه‌های اداری و تشریفاتی مثل: کاهش هزینه‌های سفرهای خارجی، مراسم‌ها و تشریفات غیرضروری و قطع کمک‌های مالی به نهادهای غیرحاکمیتی، این اقدامات می‌توانند به کاهش کسری بودجه و بهبود مدیریت مالی کمک کنند، در حالی که هر زمان دولت با کسری بودجه مواجه می‌شود اولین قدم برای جبران آن کاهش سوبسید و درآمد مردم است.

در ادامه به برخی دیگر از بخش‌هایی که می‌توانند در بودجه کاهش یابند، اشاره می‌کنم:

یارانه‌هایی که به صورت غیرهدفمند به همه افراد جامعه پرداخت می‌شوند، می‌توانند به صورت هدفمندتر و به گروه‌های نیازمند اختصاص یابند. کاهش هزینه‌های نظامی و دفاعی که اولویت کمتری دارند، می‌تواند به صرفه‌جویی در منابع مالی کمک کند. این شامل کاهش هزینه‌های تسلیحاتی و پروژه‌های نظامی غیرضروری است. به تعویق انداختن برخی از پروژه‌های تحقیقاتی که تأثیر اقتصادی و اجتماعی کمی دارند، همچنین دولت ایران چند برابر دیگر کشورها کارمند دارد با این وجود با عدم بهره‌وری روبروست، کاهش تعداد کارکنان دولتی و بهبود بهره‌وری آن‌ها می‌تواند به کاهش هزینه‌های دولت کمک کند.

این اقدام می‌تواند از طریق بازنشستگی زود هنگام و عدم استخدام جدید انجام شود، این اقدامات می‌توانند به کاهش کسری بودجه و بهبود مدیریت مالی کمک کنند.

با تمام این توضیحات نباید از این مسئله مورد غفلت قرار بگیرد که اصل یارانه به اشخاص خاص تعلق می‌گیرد مثلاً در بحث انرژی که مسئولان مردم را به دلیل مصرف زیاد سرزنش می‌کنند و فریاد و اسفا سر می‌دهند که پول نداریم و یارانه زیاد می‌دهیم، اما اخیراً آژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرد که فقط ۲۵ درصد از یارانه انرژی به مردم ایران تعلق می‌گیرد که این مردم شامل اتباع و قاچاقچیان نیز می‌شود که در اینجا باید گفت اگر پول نیست، پس چرا درهای کشور را بر روی مهاجران باز گذاشته شده است و خدمات ویژه به آن‌ها ارائه داده می‌شود و چگونه با وجود چندین بخش نظامی و دریافت بودجه‌های کلان چگونه انرژی و دیگر محصولات قاچاق می‌شوند و چگونه میلیون‌ها افغان بدون هیچ مشکلی وارد ایران می‌شوند، ۷۵ درصد دیگر این یارانه نیز به گروه‌های خاص و آفازاده‌ها تعلق می‌گیرد که علاوه بر یارانه، منابع بانکی و ارزی کشور را نیز می‌بلعند و باعث کسری بودجه و فسادهای گسترده شده‌اند.

خطای مدیریت مالی

یکی از بزرگ‌ترین خطاهای مدیریتی که هم در سطح جهانی و هم در سطح ایران رخ داده، بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ (یا بحران مالی

جهانی) است. این بحران که به عنوان یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های مالی تاریخ مدرن شناخته می‌شود، ناشی از مجموعه‌ای از خطاهای مدیریتی و نظارتی در نظام مالی جهانی بود. داستان این بحران می‌تواند به عنوان یک مثال برجسته از خطاهای مدیریتی تحلیل شود و درس عبرتی برای مدیران ایرانی برای عدم تکرار این خطاها باشد، البته برخی از این خطاها تاکنون بارها تکرار شده و یا در حال حاضر در حال رخ دادن هستند.

داستان بحران مالی جهانی ۲۰۰۸

در دهه‌های پایانی قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، سیستم مالی جهانی شاهد رشد سریع و بی‌سابقه‌ای بود. این رشد، که به دلیل بهبود فناوری، جهانی شدن، و نوآوری‌های مالی بود، باعث افزایش شدید سرمایه‌گذاری‌ها و توسعه محصولات مالی جدید مانند وام‌های رهنی و ابزارهای مالی پیچیده شد.

وام‌های رهنی با ریسک بالا: بانک‌ها و مؤسسات مالی به طور گسترده‌ای وام‌های رهنی با ریسک بالا ارائه کردند. این وام‌ها به افراد با اعتبار پایین و بدون توان بازپرداخت مناسب داده شد. این وام‌ها به دلیل نرخ بهره بالا و شرایط سهل‌گیرانه، جذابیت زیادی داشتند.

ابزارهای مالی پیچیده و غیرشفاف: محصولات مالی پیچیده‌ای مانند اوراق بهادار مبتنی بر وام‌های رهنی و مشتقات به طور گسترده‌ای در بازار معامله شدند. این ابزارها به دلیل

پیچیدگی و عدم شفافیت، خطرات مالی بزرگی را به سیستم مالی منتقل کردند.

نقص در نظارت و مقررات: نهادهای نظارتی و مقررات‌گذار نتوانستند به درستی بر فعالیتهای مالی و بانک‌ها نظارت کنند. در بسیاری از کشورها، مقررات مالی به روز نشده و بسیاری از فعالیتهای مالی جدید بدون نظارت باقی ماندند.

خطرات سیستماتیک: بانک‌های بزرگ و مؤسسات مالی به طور فزاینده‌ای به یکدیگر وابسته شدند. این وابستگی به خطرات سیستماتیک منجر شد، به طوری که مشکلات در یک بخش می‌توانست به سرعت به سایر بخش‌ها منتقل شود.

در سال ۲۰۰۷، بازار مسکن در ایالات متحده شروع به سقوط کرد. ارزش وام‌های رهنی کاهش یافت و بسیاری از وام‌گیرندگان توانایی بازپرداخت اقساط خود را از دست دادند. این موضوع باعث شد که اوراق بهادار مبتنی بر وام‌های رهنی که به بانک‌ها و سرمایه‌گذاران فروخته شده بود، ارزش خود را از دست بدهند. به دنبال این اتفاق، بانک‌ها و مؤسسات مالی که به این اوراق بهادار وابسته بودند، با بحران نقدینگی و ورشکستگی مواجه شدند.

ورشکستگی مؤسسات مالی: بسیاری از بانک‌های بزرگ و مؤسسات مالی در سطح جهانی به دلیل ورشکستگی و مشکلات مالی، به حالت سقوط درآمدند. به عنوان مثال، بانک لمان برادرز در سپتامبر ۲۰۰۸ به دلیل مشکلات مالی بزرگ،

ورشکسته شد و به یکی از بزرگ‌ترین سقوط‌های مالی تاریخ تبدیل شد.

واکنش دولت‌ها: برای مقابله با بحران، دولت‌ها و بانک‌های مرکزی اقدام به نجات بانک‌ها و مؤسسات مالی کردند. برنامه‌های حمایتی و نجات مالی گسترده‌ای به منظور جلوگیری از فروپاشی سیستم مالی و کاهش آثار بحران به اجرا درآمد.

رکود اقتصادی جهانی: بحران مالی جهانی به رکود اقتصادی شدید و بیکاری گسترده در بسیاری از کشورها منجر شد. اقتصادهای بزرگ و کوچک تحت تأثیر قرار گرفتند و بسیاری از صنایع و بازارها با کاهش شدید تقاضا و مشکلات مالی مواجه شدند.

- ضرورت نظارت مؤثر: بحران نشان داد که نظارت مؤثر و مقررات مالی به روز، برای جلوگیری از وقوع بحران‌های مشابه ضروری است.

- شفافیت مالی: نیاز به شفافیت در ابزارهای مالی و فعالیت‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی برای کاهش خطرات و افزایش اعتماد عمومی به نظام مالی وجود دارد.

- مدیریت ریسک: مدیریت صحیح ریسک و جلوگیری از وابستگی‌های سیستماتیک برای حفظ ثبات مالی ضروری است.

بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ یک نمونه برجسته از خطاهای مدیریتی و نظارتی است که به دلیل کمبود نظارت، استفاده از ابزارهای مالی پیچیده و بی‌شفاف، و عدم مدیریت ریسک به وقوع پیوست. این بحران به مشکلات اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای منجر شد و درس‌های مهمی در زمینه مدیریت مالی و نظارت مالی به همراه داشت.

فصل چهارم: بررسی و تحلیل برخی از خطاهای مدیریتی

بحران مهاجرت افغان‌ها به ایران

ایران به دلیل همسایگی با افغانستان و شرایط ناپایدار این کشور، همواره مقصدی برای مهاجران افغان بوده است. پس از بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان، موج جدیدی از مهاجرت به ایران آغاز شد. این مهاجرت‌ها مشکلاتی را برای هر دو کشور ایجاد کرده است، از جمله درگیری‌های مرزی بین طالبان و نیروهای مرزی ایران.

مدیریت نادرست مهاجرت افغان‌ها به ایران نیز به این بحران دامن زده است که این به دلیل عدم نظارت بر مرزهاست که مهاجران به راحتی وارد کشور می‌شوند و به راحتی به هر نقطه ای از ایران که بخواهند می‌روند در صورتی که باید مهاجران در اردوگاه‌ها نگهداری و کنترل شوند، ایران فاقد سیاست‌های مهاجرتی جامع و کارآمد برای مدیریت مهاجران افغان است. این مسئله باعث شده تا مهاجران به صورت غیرقانونی وارد

کشور شوند و مشکلات اجتماعی و اقتصادی ایجاد کنند، نبود هماهنگی بین نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی در مدیریت مهاجران، باعث ناکارآمدی در ارائه خدمات به مهاجران و کنترل ورود غیرقانونی شده است.

اختلافات شدید فکری - مذهبی - اجتماعی باعث افزایش تنش و نارضایتی ها شده و سیل مهاجران این موضوع را تشدید کرده است. زیرا عمده مهاجران دارای تفکرات افراطی مذهبی هستند و به دلیل وضع تحریم های سنگین علیه ایران و نرسیدن کمک های بین المللی برای مهاجران باعث روی آوردنشان به سوی جرایمی مثل اخاذی، قاچاق و... شده است.

این در صورتی است که می توان با جلوگیری از ورود مهاجران در جامعه و نگهداری و آموزش آنها در اردوگاه ها از بسیاری از مشکلات جلوگیری کرد.

ورود بی رویه مهاجران افغان به ایران می تواند بحران های مختلفی را در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی ایجاد کند. در ادامه به برخی از این بحران ها و چالش ها اشاره می کنم:

ورود بی رویه مهاجران باعث افزایش تنش های اجتماعی بین مهاجران و مردم شده است این تنش ها به دلیل تفاوت های فرهنگی، زبانی و اقتصادی به وجود آمده، همچنین افزایش تعداد مهاجران باعث افزایش جرم و جنایت شده، زیرا شکاف فرهنگی و مذهبی بسیار شدید است.

از جانب دیگر ورود بی‌رویه مهاجران افغان فشار زیادی بر بازار کار وارد کرده و باعث افزایش نرخ بیکاری در جامعه شده، این موضوع به ویژه در شرایطی که اقتصاد کشورمان با مشکلاتی مواجه است، بیشتر به چشم می‌آید، زیرا دولت‌ها هزینه‌های زیادی برای ارائه خدمات به مهاجران، از جمله خدمات بهداشتی، آموزشی و مسکن، متحمل شده و این هزینه‌ها می‌تواند فشار زیادی بر بودجه دولتی وارد کرده، این در حالی است که برخی از مردم کشورمان دسترسی به ابتدایی‌ترین خدمات آموزش و بهداشت ندارند.

البته نقش مافیا و سرمایه‌داران را نیز در این بخش نباید نادیده گرفت که با تبلیغ این مسئله که کارگر ایرانی کار نمی‌کند یا چون جوانان ایرانی تحصیل کرده هستند تن به هر کاری نمی‌دهند و حتی برای تلقین این موضوع به جامعه، بازوهای فرهنگی کشور که بودجه‌های کلانی هم دریافت می‌کنند به خدمت گرفته‌اند اما هدف آنها ندادن دستمزد و حق بیمه است.

همچنین تفاوت‌های فرهنگی بین مهاجران و جامعه به مشکلاتی در زمینه تعاملات اجتماعی و فرهنگی منجر شده این تفاوت‌ها باعث سوءتفاهم‌ها و تنش‌های فرهنگی شده است.

ورود بی‌رویه مهاجران منجر به تغییرات در هویت فرهنگی جامعه شده است این تغییرات باعث نگرانی‌ها و مقاومت‌هایی در بین مردم محلی شده است.

تفاوت‌های مذهبی بین مهاجران و جامعه به تنش‌ها و درگیری‌های مذهبی منجر شده. این موضوع به ویژه در جامعه ایران که تنوع مذهبی ندارد و شیعه مذهب اکثریت مطلق مردم است بیشتر به چشم می‌آید در صورتی که بخشی قابل توجهی از مهاجران دارای تفکرا افراطی و هابی‌گری هستند و به شعائر جامعه بی‌احترامی می‌کنند که سبب افزایش تعصبات مذهبی و تبعیض‌های مذهبی در جامعه شده این موضوع به کاهش همبستگی اجتماعی و افزایش تنش‌ها منجر شده است.

باید به این مسئله بسیار مهم نیز توجه داشت که طی قرن‌های گذشته دشمن از تنوع قومیتی در ایران برای فشار و تجزیه ایران استفاده کرده است که نمونه بارز این اختلاف که دشمن بسیار موفق عمل کرد جدایی افغانستان از ایران بوده است. همچنین با وجود این که این قومیت‌ها قرن‌هاست در هم تنیده اند باز هم دشمن از احساسات آنها سو استفاده می‌کند و تفکر تجزیه طلبی را بین آنها رواج داده که تا حدی نیز موفق بوده است حال در کنار این مشکلات بزرگ امنیتی و اجتماعی، افغان‌ها نیز به آن اضافه شده اند که تجربه تلخ تجزیه را از آن‌ها داریم. اگر بار دیگر دشمن بتواند خطر این قوم را علیه ایران فعال کند خطر بزرگی یکپارچگی ایران را تهدید می‌کند، تهدیدی که در گذشته دشمن موفق و سر بلند از آن بیرون آمده است.

در کنار تمام این مسائل بحث سوبسیدها و کمبود منابع دولت و تحریم‌ها هم مطرح است. زیرا در شرایطی که کشور با بحران‌های مالی و اجتماعی روبروست و توانایی تامین نیازهای مردم و

هزینه اداره کشور را هم ندارد، باید هزینه و سوبسید میلیون ها افغان را نیز تامین کند که این باعث فشار اقتصادی به مردم و منابع مالی کشور شده است. زیرا در شرایطی که باید منابع ابتدا برای نیازهای داخلی و شهروندان خود کشور استفاده شود، به ویژه در شرایط بحران اقتصادی و تحریم ، این منابع خرج مهاجرین می شود، از جانب دیگر با توجه به کمبود منابع طبیعی و اقتصادی، ارائه سوبسید به پناهجویان باعث کاهش دسترسی به این منابع برای شهروندان ایرانی شده است.

همچنین پناهجویان فرصت های شغلی را از شهروندان ایرانی گرفته اند و این موضوع به افزایش بیکاری و فقر در بین جمعیت داخلی منجر شده است.

تأثیرات فرهنگی و اجتماعی حضور پناهجویان در جامعه از دیگر مسائلی است که به تنش های اجتماعی منجر شده است ، پناهجویان از سوبسیدها و منابع ارائه شده سوءاستفاده می کنند و این موضوع باعث هدررفت منابع شده است مثلا در روستاها میلیاردها پول که هزینه تولید نان می شود توسط اتباع به خوراک دام تبدیل می شود و این در حالی است که بخشی از مردم دسترسی به نان یارانه ای ندارند.

با نگاهی به نحوه پذیرش مهاجران در اروپا به راحتی می توان به فاجعه مدیریت مهاجران در ایران پی برد.

بحران مهاجرت در اروپا

بحران مهاجرت در اروپا به‌طور عمده از سال ۲۰۱۵ با ورود تعداد زیادی پناهنده از کشورهای جنگ‌زده و ناپایدار مانند سوریه، افغانستان و عراق آغاز شد. این بحران تأثیرات گسترده‌ای در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داشته است، در صورتی که حجم ورود مهاجران به اروپا در مقایسه با ایران تحریم شده بسیار ناچیز است ولی از آن به عنوان بحران یاد می‌شود این غفلت سنگین مقامات و مدیران ایرانی را نشان می‌دهد.

بحران آبی اصفهان

اصفهان با آنکه در منطقه خشکی قرار گرفته و در دهه اخیر دچار کاهش بارندگی و بحران خشکسالی هم شده است، که تأثیر مستقیمی بر منابع آبی داشته که سبب آسیب دیدن بخش کشاورزی شده است اما با این حال میزبان صنایع بزرگی است. لابی‌گری، بی‌تدبیری و خلاء مدیریت باعث شده تا بسیاری از صنایع با مصرف آب بالا در اصفهان ساخته شوند.

استفاده بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی برای کشاورزی و صنعت باعث کاهش سطح آب شده است، نبود یک نگاه جامع و کامل به مدیریت منابع آب، سوءمدیریت‌ها و عدم بهره‌وری در طول سال‌ها، به مشکلات خشکسالی دامن زده است.

همچنین افزایش جمعیت و نیاز روزافزون به آب برای مصارف خانگی و تغییرات اقلیمی و افزایش دمای هوا نیز به فشار بر منابع آبی افزوده است.

ورود بیش از حد صنایع با مصرف آب زیاد به اصفهان یکی از عوامل مهم در تشدید بحران خشکسالی این منطقه است. صنایع بزرگ و پرمصرف آب، مانند فولاد و پتروشیمی، صنایع نساجی، صنایع غذایی، صنایع شیمیایی نیاز به حجم زیادی از آب دارند، که هم منابع آبی منطقه را تحت فشار قرار داده است و هم باعث آلودگی منابع آب شده است، این آلودگی‌ها کیفیت آب را به شدت کاهش داده و منابع آبی قابل استفاده را محدود کرده است که بر سر آن با کشاورزان رقابت سختی دارند که البته به کاهش دسترسی کشاورزان به آب منجر شده است و باعث شده بسیاری از کشاورزان زمین‌های خود را رها کنند و به استان‌های شمالی مهاجرت کنند.

برای مدیریت بهتر منابع آب و کاهش تأثیرات منفی صنایع پرمصرف، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و اجرای سیاست‌های مناسب در زمینه جا به جایی صنایع پرمصرف به مناطق ساحلی و پر آب، مدیریت منابع آب و توسعه پایدار، کنترل مصرف آب صنعتی و از دیگر راه‌حل‌های مختلفی استفاده کرد که به بهبود بهره‌وری و کاهش هدررفت آب کمک می‌کنند. که عبارتند از:

استفاده از سیستم‌های بازیافت آب که به کاهش مصرف آب کمک می‌کند. این سیستم‌ها آب مصرف شده را تصفیه کرده و دوباره به چرخه تولید بازمی‌گردانند.

استفاده از فناوری‌های جدید مثل سیستم‌های خنک‌کننده با مصرف آب کمتر و تجهیزات با بهره‌وری بالا مصرف آب را به طور قابل توجهی کاهش می‌دهند.

استفاده از سیستم‌های مدیریت هوشمند که مصرف آب را به صورت دقیق مانیتور و کنترل می‌کنند، به بهینه‌سازی مصرف آب کمک کند.

آموزش کارکنان در مورد اهمیت صرفه‌جویی در مصرف آب و ارائه راهکارهای عملی برای کاهش مصرف، نگهداری و تعمیرات منظم تجهیزات و سیستم‌های آبی که از نشت‌ها و هدررفت آب جلوگیری کند، استفاده از مواد شیمیایی که به کاهش مصرف آب در فرآیندهای صنعتی کمک می‌کنند،

این راه‌حل‌ها می‌توانند به کاهش مصرف آب در صنایع و بهبود بهره‌وری منابع آبی کمک کنند

یکی از پروژه‌های موفق بازیافت آب صنعتی در ایران، پروژه بازیافت آب در صنایع فولاد است. در این پروژه، آب مصرفی در فرآیندهای تولید فولاد تصفیه و بازیافت می‌شود تا دوباره در همان فرآیندها مورد استفاده قرار گیرد. این کار که شامل مراحل جمع‌آوری آب مصرفی در فرآیندهای مختلف تولید،

تصفیه اولیه آب جمع‌آوری شده از ذرات معلق و آلودگی‌های بزرگتر، تصفیه پیشرفته آب از طریق فرآیندهای شیمیایی و فیزیکی مانند فیلتراسیون و ...، استفاده مجدد از آب تصفیه به کاهش مصرف آب شیرین و حفاظت از منابع آبی کمک می‌کند.

این روش نه تنها به کاهش مصرف آب کمک می‌کند، بلکه هزینه‌های مربوط به تأمین آب و دفع فاضلاب را نیز کاهش می‌دهد.

بحران سد گتوند، بزرگترین اشتباه سدسازی جهان

سد گتوند، یکی از بزرگ‌ترین سدهای موجود در ایران بر روی رودخانه کارون است.

اهداف ساخت این سد شامل: نیاز به ساخت مخزنی بزرگ در پایین‌دست کارون برای اینکه سدهای بالادست بدون نگرانی از دست رفتن ذخیره آبی دشت خوزستان بتوانند به رهاسازی و تولید برق پردازند، کنترل سیلاب‌های فصلی و مخرب کارون و تنظیم آب کشاورزی پایین‌دست اعلام شده‌است. اهداف گردشگری نیز برای ساخت این سد اعلام شده‌است.

مهندسین آمریکایی پیش از انقلاب به دلایل محیط زیستی، وجود معدن نمک و شوره زار پیشنهاد داده بودند ۲۰ کیلومتر بالاتر از مخزن فعلی، سد گتوند احداث شود، اما چند دهه بعد مدیران شرکت مدیریت منابع آب و نیروی ایران بر این باور بودند که آمریکایی‌ها چون می‌خواستند مخزن سد کوچک باشد، این مکان را مطرح کردند، لذا تصمیم‌شان بر این شد که دریاچه سد درست بر روی گنبد‌های نمکی جانمایی شود.

شرکت زیرمجموعه وزارت نیرو اعلام کرد که برای رفع این مشکل روی تپه نمکی نزدیک سد پتوی رسی کشیده می‌شود، تا این مشکل حل شود. اما پتوی رسی فایده‌ای نداشت و ۳ روز

بعد از آب‌گیری، پتوی رسی که قرار بود حائلی بین دریاچه با نمک باشد، فرو ریخت. هزینه ساخت پتوی رسی نزدیک به ۶۰۰ میلیون دلار بود، اما این پتوی رسی تنها سه روز مقاومت کرد و آب پشت سد به‌حدی شور شد که دیگر نمی‌توان برای آن کاری کرد، شوری آب زیر سد، ۵/۵ برابر شوری آب خلیج فارس است

در مورد شوری آب کارون گزارشی در مورد کیفیت آب در شهر شوشتر در پایین دست سد گتوند انجام شده است. در این گزارش مردم شهر شوشتر اظهار داشته‌اند پس از آبگیری این سد، آب آشامیدنی شهر شوشتر که قبل از آبگیری سد کیفیت بسیار عالی داشت، دیگر قابل آشامیدن نیست، باغها از بین رفته‌اند و مردم مجبورند آب را از فروشگاهها بخرند یا دستگاه نمک‌زدایی خانگی نصب کنند. رییس وقت اداره میراث فرهنگی شوشتر نیز اعلام کرد پس از آبگیری سد گتوند اثر شوری بر دیواره آثار تاریخی سازه‌های آبی شوشتر که میراث جهانی یونسکو می‌باشد، شکل گرفته است.

در مطالعات موسسه آب دانشگاه تهران درباره سد گتوند دو اشتباه ملی در گزارش اشاره شده است: «تعیین محور سد بدون انجام مطالعات کیفیت آب» و «آبگیری سد با وجود مخالفت رسمی سازمان محیط‌زیست و نامه سازمان بازرسی کشور»

رییس سازمان بازرسی کل کشور بعد از این اتفاق اعلام کرد که با شرایط حاضر سد گتوند دیگر نمی‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد.

در آن زمان هزینه تخریب سد گتوند ۹ همت گزارش شد؛ یعنی سه برابر هزینه ساخت آن در نتیجه تخریب نشد و آب‌گیری آن هم فقط به شوری آب کارون و آوارگی ساکنان آن ناحیه ختم نشد. علاوه بر شوری آب، نشت پنج چاه نفت در مخزن سد گتوند که پیش از آب‌گیری پلمب یا جابجا شده بودند، اما به دلیل فشارهای ناشی از آب‌گیری حاشیه دریاچه سد آلوده به مواد نفتی شد، این خطای مدیریتی حاصل خطای چند دولت با دیدگاه‌های مختلف از جناح‌های مختلف بود و همین مسئله خود به خوبی بیانگر این است که مدیریت باید به افراد شایسته سپرده شود و با عوض شدن دولت این مسائل قابل حل نیستند.

اما عمق فاجعه در جایی دیگر مشخص می‌شود که، در کل داستان سد سازی در جهان تا حد زیادی متوقف شده است و شکل دیگری به خود گرفته است، زیرا مشخص شد که سدها موجب جابجایی اجباری ۴۰ تا ۸۰ میلیون نفر شده‌اند.

دامنه ویرانی‌ها تا جایی ادامه پیدا کرد که آمریکا تصمیم به تخریب سدها گرفت و از دهه ۹۰ میلادی حدود ۱۳۰۰ سد تعطیل شد. این برنامه در کشورهای دیگری مانند ژاپن هم اجرا شد.

اما درست زمانی که جهان مشغول تخریب سدها بود، پروژه‌های سدسازی در ایران یک به یک پشت سر هم کلید خورد؛ از سد کارون و طرح اولیه سد گتوند در قبل از انقلاب

آغاز شد و با بهره برادری سدگتوند و ده‌ها سد دیگر در بعد از انقلاب ادامه پیدا کرد.

برج میلاد

برج میلاد، بلند مرتبه‌ترین برج مخابراتی در ایران است. برخی کارشناسان بر این نظرند که ساخت برج میلاد از اساس اشتباه بوده و نباید ساخته می‌شد. زیرا معتقدند این برج کاربری لازم مدنظر از جمله کاربری مخابراتی را نداشته و هم اکنون به مکانی تفریحی تبدیل شده است.

طرح ساخت این برج از آنجا شروع شد که برخی مدیران دولتی در بازدیدهایی که از شهرهای بزرگ دنیا داشتند، با برج‌هایی مخابراتی مواجه شدند که هم به نوعی سمبل شهر است و هم جاذبه توریستی است.

برخی از کارشناسان با انتقاد از ساخت برج میلاد گفته‌اند ساخت این برج با کاربری مخابراتی با وجود ارتفاعات اطراف تهران امری بیهود بوده و امکان نصب دکل مخابراتی کم‌ارتفاع در کوه‌های البرز برای این کلان‌شهر با هزینه کمتر وجود داشته است. این در حالی است که ۶ برج مخابراتی بلند دنیا در شهرهایی قرار دارند که مناطق صاف و مسطح و فاقد ارتفاعات طبیعی در فاصله حداقل ۱۰۰ کیلومتری محسوب می‌شوند.

دکتر فریبرز ناطقی الهی، استاد نمونه کشور در مهندسی سازه زلزله و مدیریت بحران و عضو هیات علمی پژوهشگاه زلزله

شناسی با اشاره به وجود گسل در محل احداث برج میلاد به روزنامه ایران گفته است: ناگوارتر از خبر پیدا شدن یک گسل فعال در تهران، این است که گسل درست زیر برج میلاد واقع شده است. در واقع می‌توان گفت: در محدوده بین اتوبان حکیم و همت تنها دو ساختمان مهم وجود دارد که اولی برج میلاد و دومی بیمارستان میلاد است و مابقی زمین‌های روی گسل خالی از سکنه است.

خطاهای مدیریتی در ورزش

مدیریت در نحوه مواجهه با اسرائیل :

با نگاهی به گذشته متوجه می‌شویم که نحوه مدیریت مواجهه با مسئله اسرائیل کاملاً اشتباه و بی‌فایده بوده است، اینکه ایران با اسرائیل مسابقه نمی‌دهد، اگر به نفع اسرائیل نباشد ضرری هم به جایگاه این رژیم نمی‌رساند! برخی پافشاری بر آرمان‌های انقلاب اسلامی را اصل می‌دانند و دلیل می‌آورند که ایران تنها کشوری نیست که با رژیم صهیونیستی مسابقه نمی‌دهد، البته عدم رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی در مجامع بین‌المللی توسط ایران به گونه‌ای دیگر مطرح می‌شود، مثل مسئله اضافه وزن، مسدومیت، یا شکست خوردن در مسابقات دیگر برای عدم مواجهه با ورزشکاران اسرائیلی و در بعضی مواقع در کل از حضور در مسابقات به دلیل هم‌گروهی با اسرائیل انصراف می‌دهند، بدون اینکه هدف از عدم این رویارویی

محقق شود و فقط خسارات سنگین آن به ورزشکاران و کشور تحمیل می شود، زیرا اگر رسماً اعلام کنند، توسط فدراسیون های بین المللی ورزشی دچار محرومیت و جریمه مالی می شوند مثل تعلیق فدراسیون جودو ایران به دلیل حواشی ایجاد شده بر سر مسابقه سعید ملایی با حریف اسرائیلی، ضعف مدیران دیپلماسی و ورزشی ایران در تبیین منطق خود برای عدم مسابقه با اسرائیل این فاجعه را به بار آورد، زیرا عدم رویارویی نمایندگان کشورهای مختلف با یکدیگر به دلایل محکمه پسند سیاسی و فرهنگی امری پذیرفته شده در دنیا است، پس ادامه مسیر فعلی به نوعی آب به آسیاب دشمن ریختن محسوب می شود البته باید توجه داشت که داستان اسرائیل به دلیل لابی های قوی، کمی متفاوت است ولی این راهی است که باید رفت.

در این راه می توان از تجربه کشورهای که به دلایل سیاسی با یکدیگر، مسابقه ورزشی نمیدهند بهره برد،

ولی ما در کشور با مدیران رانته مواجه ایم که توانایی حل مسئله را ندارند نمونه آن:

مسئله روسیه و اوکراین که بر سر منطقه کریمه و برخی نقاط دیگر اختلاف جدی دارند. اختلافی که کار را حتی به مداخله نظامی روسیه و مسلح کردن جدایی طلبان انجامید. به همین دلیل این دو کشور در مسابقات ورزشی با هم رو در رو نمی شدند. و این مورد به طور صریح در متن آیین نامه اجرایی مسابقات لیگ قهرمانان اروپا آمده است.

حتی نمونه این اختلافات در همسایگی خودمان هم قابل رویت است نمونه آن جنجال برای دیدار پایانی لیگ اروپا در باکو، جمهوری آذربایجان به ورود هنریخ مخیتاریان - مهاجم ارمنی باشگاه آرسنال انگلیس مجوز نداد.

اختلافات بر سر شرکت یا عدم شرکت ورزشکاران ارمنستانی در نخستین دوره المپیک اروپایی در باکو به دلیل اختلافات سیاسی و درگیری های نظامی میان آذربایجان و ارمنستان بوده است.

و در برهه ای دیگر تیم های آذربایجان و ارمنستان در انتخابی یورو ۲۰۰۸ باید با هم رو در رو می شدند، که بازی توسط یوفا لغو شد.

همچنین یوفا به دلیل اختلافات این دو کشور، تغییراتی در جدول مسابقات قهرمانی زیر ۱۹ سال اروپا ایجاد کرد تا ارمنستان با آذربایجان رو در رو نشود.

در مورد جبل الطارق که اکنون جزو سرزمین های فرا دریایی انگلستان به حساب می آید، همواره میان اسپانیا و انگلستان محل اختلاف بوده است. به طوریکه اسپانیا جبل الطارق را تقریباً به رسمیت نمی شناسد و از دیدار های ورزشی با آن خودداری می کند. نمونه آن، اعلام رسمی عدم رویارویی اسپانیا و جبل الطارق در مرحله انتخابی یورو ۲۰۱۶ است.

نمونه دیگر این اختلاف، اعتراض جبل الطارق به اجازه ندادن اسپانیا جهت حضور ورزشکاران آنها به عنوان نماینده مستقل این منطقه در مسابقات مالاگای اسپانیا است.

در ادامه بهتر است به نحوه تعاملات فلسطین و اسرائیل
بپردازیم :

فلسطین اخیرا علیه اسرائیل به فیفا شکایت کرده و قصد اخراج
این کشور را از فیفا دارد، توجه کنید قصد اخراج این کشور را
دارد، نه برای ایجاد شرایطی برای عدم رو در رو شدن در
مسابقات با اسرائیل و این خود نشان می دهد که ما چقدر از
مدیریت در ورزش غفلت کرده ایم و گره هایی را که می شد با
دست باز کرد به دلیل مدیریت غلط حال نمی توان حتی با
دندان هم باز کرد.

رئیس فدراسیون فوتبال فلسطین گفته : اسرائیل ما را به دلیل
درخواست به فدراسیون فیفا به منظور پایان عضویت این رژیم
در این فدراسیون تهدید کرده است.

این فدراسیون تهدیدهایی را از سوی مقامات اسرائیلی دریافت
کرده است که درخواستی را که فلسطین به همتای بین المللی
خود در فیفا درباره پایان دادن به عضویت اسرائیل در اتحادیه
ورزشی ارائه کرده است، پس بگیرد.

وی گفت: مواضع مجامع بین المللی در قبال فلسطین و
فلسطینی ها در مقایسه با مواضع اتخاذ شده علیه روسیه در
آغاز جنگ علیه اوکراین، ماهیت ناعادلانه و ریاکارانه داشته
است.

فدراسیون فلسطین اعلام کرد: تمامی زیرساخت های فوتبال در
غزه یا ویران شده یا به شدت آسیب دیده است، از جمله

ورزشگاه تاریخی یرموک که نیروهای اسرائیلی آن را به یک اردوگاه بازداشت تبدیل کردند که توسط بیش از یک سازمان بین المللی ثبت شده است.

رجوب گفته: فدراسیون فلسطین پیش نویس قطعنامه‌ای را به فیفا ارائه کرده است و قرار است مورد آن بحث و بررسی خواهد شد.

رئیس فدراسیون فلسطین گفت: ما در پیش نویس تمام تخلفات اسرائیلی علیه فوتبال فلسطین و بازیکنان فلسطینی را درج کردیم و کشته شدن ۲۵۶ ورزشکار فلسطینی به دست اسرائیلی‌ها را مستند کردیم.

وی گفت: ده‌ها ورزشکار زیر آوار مدفون شدند و صدها نفر نیز بازداشت شدند. باشگاه‌های فلسطینی در داخل سرزمین‌های فلسطین وجود دارند که در لیگ رسمی اسرائیل شرکت می‌کنند و این مسئله مغایر با تصمیمات فیفا است.

رجوب تاکید کرد: درخواست ارائه شده از سوی فدراسیون فلسطین نباید از منظر سیاسی بررسی شود، بلکه باید بر اساس قوانین فیفا ارزیابی شود.

وی در ادامه گفت: تخلفات اسرائیل توسط هیچ فدراسیون ورزشی در جهان قابل قبول نیست. ما نمی‌توانیم به دلیل اقدامات فدراسیون اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی فعالیت ورزشی انجام دهیم، آخرین تروریسم در تل آویو، «یسرائیل

کاتز» وزیر امور خارجه اسرائیل است که به طور علنی من را تهدید کرده است.

فدراسیون بین المللی فوتبال در نشست بعدی خود در بانکوک در مورد درخواست اتحادیه فوتبال فلسطین برای حذف «اسرائیل» از عضویت فیفا رای گیری خواهد کرد.

اسرائیل با وجود صدور قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل برای توقف فوری جنگ و همچنین درخواست دادگاه بین المللی دادگستری برای جلوگیری از اقدامات نسل کشی و بهبود وضعیت انسانی در غزه، به جنگ ادامه می دهد.

کنفدراسیون فوتبال آسیا هم حمایت خود را از پیشنهاد فلسطین برای تعلیق عضویت رژیم صهیونیستی در فدراسیون بین المللی فوتبال (فیفا) اعلام کرده است. با توجه به ادامه دار بودن جنگ در غزه، اتحادیه فوتبال آسیا در کنفرانسی که به میزبانی بانکوک برگزار شد، ارتباطات مقامات ارشدهای خودش را در مورد رفتار با اسرائیل محدود کرد.

این پیشنهاد در فروردین ۱۴۰۳ به کنفدراسیون فوتبال آسیا ارسال شده و تیمهای الجزایر، اردن، سوریه و یمن در اجلاس سالانه حمایت از مردم غزه، به صورت مستقل به فیفا نامه ای برای تحریم اسرائیل ارسال کردند .

حتی تعدادی از نمایندگان پارلمان اروپا از فدراسیون بین المللی فوتبال (فیفا) و اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا) خواست تا فوتبال اسرائیل را تعلیق کنند.

سرنوشت این شکایت هر چه که باشد این درس را به ما می دهد که می توان از مسیره های درست و قانونی اقدام کرد که هم از خسارت های مالی و سیاسی در امان باشیم هم پیام خود را به گوش جهان برسانیم. البته در گذشته هم برخوردهای قانونی و موفقیت آمیزی با اسرائیل شده که حاصل مدیریت صحیح در اتحاد با دیگر کشورها بوده، زمانی که اسرائیل برای حضور در جام جام جهانی ۱۹۵۸ سوئد، در منطقه انتخابی آفریقا - آسیا قرار گرفت، اما هیچ کشوری حاضر به رویارویی با آن نشد. از آنجا که قوانین فیفا اجازه حضور بدون مسابقه انتخابی هیچ کشوری در جام جهانی را نمی دهد، فیفا بالاجبار مسابقه ویژه ای بین اسرائیل و ولز به عنوان تیمی که از اروپا به جام جهانی راه نیافته بود ترتیب داد تا برنده این دیدار به جام جهانی صعود کند. البته با این وجود، اسرائیل باز هم از صعود به جام جهانی باز ماند.

اسرائیل ابتدا عضو کنفدراسیون آسیا بود. اما بسیاری از کشورها از رویارویی با این تیم خودداری می کردند، به طوریکه در مسابقات آسیایی ۱۹۷۴ تهران، بعد از انصراف کویت از دیدار با این تیم، حتی کره شمالی هم از دیدار با اسرائیل خودداری کرد.

به همین دلیل تصمیم به خروج از کنفدراسیون آسیا گرفت و به اروپا پیوست. ولی باز هم از جام جهانی بازماند. لذا به مسابقات منطقه اقیانوسیه نقل مکان کرد تا شاید آنجا بخت

بهتری داشته باشد! اما باز هم حسرت جام جهانی برای این تیم باقی ماند...! به همین دلیل مجدداً به اروپا پیوست.

در مواردی هم مدیریت و لابی اسرائیل حتی به موفقیت های فراقانونی دست پیدا کرده، در پایان مسابقه جودو در المپیک ۲۰۱۶ ریو، در دیدار میان نماینده مصر با جودوکار اسرائیلی، اسلام الشهابی جودوکار مصری از دست دادن با حریف خودداری کرد، زیرا دست دادن در پایان بازی جزو قوانین رسمی و الزامی فدراسیون جهانی جودو نیست. با این حال، فدراسیون جهانی و کمیته بین المللی المپیک این اقدام را خلاف منشور المپیک دانسته و وی را از مسابقات اخراج کردند.

اعمالی از این نوع بارها در شکل های مختلف در برخورد با ورزشکاران ایرانی و دیگر کشورهای جهان صورت گرفته ولی هیچ محرومیتی را برای طرف های مذکور نداشته، ولی مدیریت صحیح در تبلیغات باعث شد تصمیماتی فراقانونی در حمایت از اسرائیل گرفته شود.

درسی که ما باید از این حوادث بگیریم این است که عدم رویارویی ورزشی میان کشورهایی که به دلایلی با هم اختلاف دارند امری پذیرفته شده در دنیا است، زیرا در برخی موارد اسرائیل از طریق لابی یا استفاده هوشمندانه از قوانین، توانسته استاندارد های دوگانه را در نوع برخورد با ورزشکاران موافق و مخالف خود ایجاد کند و اینکه ایران تنها کشوری نیست که به مقابله رسمی با اسرائیل پرداخته است. اگرچه دولت های دیگر در این حوزه از خود ضعف نشان می دهند اما ورزشکاران زیادی

هستند که به دلایل شخصی و اخلاقی از رویارویی با نمایندگان اسرائیل اجتناب می‌کنند.

البته همچنان لزوم آنکه دولت جمهوری اسلامی باید به تبیین منطق خود در مجامع ورزشی بین‌المللی بپردازد غیر قابل انکار است، شاید بهتر باشد این منطق، حتی فارغ مسائل عقیدتی و ارزشی، با یک بیان آماری برای مردم خودمان تبیین شود تا متوجه اهمیت استراتژیک آن گردند...

همچنین مجلس ایران علیرغم تصویب طرح «مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت منطقه و بین‌المللی»، ممنوعیت ورزشکاران ایرانی از رقابت با ورزشکاران اسرائیلی را از این طرح حذف کرد.

با حذف ماده ۱۱ طرح مذکور، مسئله قانونی بودن اجتناب ورزشکاران ایرانی از رقابت با ورزشکاران اسرائیلی همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی ماند. جمهوری اسلامی ایران اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و اجتناب ورزشکاران ایرانی از رویارویی با حریفان اسرائیلی، اقدامی مبتنی بر سیاست رسمی ایران است اما بر اساس قوانین ایران، قانون خاصی ورزشکاران ایرانی را از رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی منع نمی‌کند.

ظاهراً برای رفع همین خلأ قانونی، جمعی از نمایندگان مجلس دهم تصمیم گرفتند ورزشکاران ایرانی را قانوناً مکلف به انصراف از رقابت با حریفان اسرائیلی‌شان کنند؛ اما از آنجایی که تصویب چنین قانونی خلاف منشور المپیک قلمداد می‌شود، اعضای

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، ترجیح دادند ماده ۱۱ را از متن طرح مذکور حذف کنند.

اگر چنین قانونی تصویب می‌شد، پیامدش قطعاً تعلیق ورزش ایران بود، چنین قانونی برخلاف منشور المپیک است.

اگر غرب به طور جدی پیگیر این موضوع می‌شد، شاید منجر به محروم کردن ورزش ایران از مسابقات بین‌المللی می‌شد. زیرا ایران همیشه از سیاستی پنهانکارانه در این زمینه داشته است. اما در این برهه مجلس قصد داشت با شفافیت ورزشکاران ایران را از رویارویی با ورزشکاران کشوری که عضو جامعه جهانی است، محروم کند. قطعاً این کار بهانه کافی را به طرف‌های مقابل می‌داد که با استناد به همین قانون، ورزش ایران را محروم کنند ولی در هر صورت تاوان این سیاست را تا امروز ورزشکاران پرداخته‌اند، مسلماً راهی برای این عدم رویارویی وجود دارد ولی متأسفانه خلاء مدیران شایسته این مشکلات را حل نشده باقی گذاشته است. شاید ایران بتواند با همکاری شرکای بین‌المللی اش یعنی روسیه و چین، که دو قطب بزرگ ورزش دنیا هستند، مانع رویارویی ورزشکاران ایرانی و ورزشکاران اسرائیلی شود یا حداقل چنین مواردی را به حداقل برساند، تا از خطر تعلیق و محرومیت نجات پیدا کند. واکنش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس به این ماجرا که تقابل ورزشکاران ایرانی با نمایندگان اسرائیلی فراتر از فضاهای ورزشی است. یکی از نمایندگان در این باره گفت: در حال حاضر فلسطینی‌ها نیز با اسرائیلی‌ها در میدانی ورزشی رقابت می‌کنند؛ متأسفانه ما تابویی درست کرده ایم که

مسابقه دادن با اسرائیل را معادل به رسمیت شناختن این رژیم میدانیم، پس از این اتفاقات، وزیر ورزش و جوانان ایران در نامه ای به شورای عالی امنیت ملی خواستار تعیین تکلیف رویارویی با اسرائیل در برخی از رشته های ورزشی خاص مانند تیراندازی و وزنه برداری که ورزشکاران غیرمستقیم با یکدیگر به رقابت می پردازند شد.

تحریم تمام تیم ها و ورزشکاران روسیه

در پی حمله نظامی روسیه به خاک اوکراین، بسیاری از مجامع و فدراسیون جهانی در حوزه ورزش اقدام به وضع تحریم علیه ورزشکاران روس کردند.

اگرچه شعار ورزش جدایی آن از سیاست است، اما ورزش در بزنگاه ها تبدیل به اهرم فشاری برای سیاست می شود. نفوذ غربی ها در مجامع بین المللی و حوزه های ورزشی از جمله نهادهایی مثل اتحادیه جهانی المپیک و فیفا باعث شد تا موضوع ورزش سریعاً تبدیل به اهرم فشاری برای فشار آوردن به روسیه شود. مهمترین و جنجالی ترین تصمیم بر علیه ورزشکاران روسیه از کمیته بین المللی المپیک آمد. در بیانیه این کمیته آمده است: به منظور حفاظت از یکپارچگی مسابقات ورزشی جهانی و برای ایمنی همه شرکت کنندگان، IOC توصیه می کند که فدراسیون های ورزشی بین المللی و برگزار کنندگان رویدادهای ورزشی از ورزشکاران و مقامات روسی و بلاروسی در مسابقات بین المللی دعوت یا اجازه شرکت ندهند. هیچ ورزشکار یا مقام ورزشی از روسیه یا بلاروس اجازه ندارد با نام

روسیه یا بلاروس در رقابت ها شرکت کند، چه به صورت انفرادی یا تیمی، باید فقط به عنوان ورزشکاران بی طرف یا تیم‌های بی طرف پذیرفته شوند. هیچ نماد ملی، رنگ، پرچم یا سرود نباید نمایش داده شود.

ایالات متحده و ۳۷ کشور دیگر در اقدامی هماهنگ، تحریم‌های شدید ورزشی علیه مسکو و بلاروس وضع کردند.

بر اساس این سند روسیه و بلاروس نباید اجازه داشته باشند میزبان رویدادهای ورزشی بین‌المللی شوند و حتی نامزد میزبانی شوند. ورزشکاران منتخب روسیه و بلاروس، مدیران و تیم‌های نماینده کشور روسیه و بلاروس باید از رقابت با سایر کشورها منع شوند.

به این ترتیب تمام تیم‌های باشگاهی و نفرات از روسیه نباید با کشورهای دیگر رقابت کنند. همچنین هیچ حمایت مالی از سوی باشگاه‌ها و دولت‌ها در ارتباط با روسیه و بلاروس نباید وجود داشته باشد.

در همین راستا با اعلام رسمی فیفا، تیم ملی روسیه از رقابت‌های انتخابی جام جهانی و بازی پلی‌آف برابر لهستان کنار رفت تا جام جهانی ۲۰۲۲ قطر را از دست بدهد.

از موارد کاربرد این اهرم بازدارنده در چارچوب اهداف نهادهای بین‌المللی ورزش می‌توان به تعلیق و اخراج کمیته ملی المپیک آفریقای جنوبی از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۲ میلادی به دلیل شکل‌گیری نظام آپارتایدی، تعلیق عضویت کمیته ملی المپیک

افغانستان از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ میلادی به دلیل حاکمیت دولت طالبان، تعلیق عضویت کمیته پارالمپیک روسیه از پارالمپیک ریو ۲۰۱۶ متعاقب دوپینگ سازمان یافته به دستور دولت روسیه، تعلیق کمیته المپیک کویت از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ به دلیل مداخله دولت در امور کمیته ملی المپیک اشاره کرد.

همه این ها نشان می دهد که مدیریت حلقه ای مفقوده در سیستم بروکراسی ایران است که سلیقه ای، مدی و هیجانی با آن برخورد می شود و همین باعث می شود که گره ای که با دست می شد باز کرد حال با دندان هم نتوان باز کرد.

قرارداد های محرمانه ورزشی :

یکی از فاجعه بارترین قراردادهای تاریخ ورزش ایران مربوط به ویلموتس سرمربی تیم ملی است که در دوران مربی گری یک ماهه اش نتایج بسیار ضعیفی را کسب کرد و با ترک تیم ملی میلیون ها دلار خسارت دریافت کرد این در حالی است که قرارداد محرمانه اعلام شده بود و بابت این فاجعه ملی هیچکس جواب گو نبود. بعدها بخش هایی از این قرارداد افشا شد که در ادامه به جزئیات مسئله می پردازیم.

در قرارداد ویلموتس آمده بود: او باید در سه ماهه اول ۵۶۲ هزار یورو دریافت کند و پس از آن به مدت یک سال و در هر سه ماه یک بار، این مبلغ را بگیرد که در واقع مبلغی حدود ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار یورو به صورت خالص خواهد شد! فاجعه

اصلی اینجاست که امضای تمام اعضای هیأت رئیسه از جمله مهدی تاج به عنوان رئیس به همراه مارک ویلموتس به عنوان سرمربی در آن درج شده است.

تاج پس از قرارداد با ویلموتس تاکید کرد که از تجربه‌ی هشت ساله کار با کارلوس کی‌روش درس گرفتند و قرارداد مناسبی با سرمربی بلژیکی به امضاء رسانده؛ تاج همچنین تاکید کرد که او نجیب است و شلوغ کاری‌های کی‌روش را ندارد، که به همین منظور، در بند اول از بخش تعهدات سرمربی در قرارداد فدراسیون و ویلموتس آمده است: «سرمربی تیم ملی باید به تمام قوانین و فرهنگ ایران احترام بگذارد. در تمام فعالیت‌های تبلیغاتی با مجوز فدراسیون حضور یافته و درآمد کسب شده از تبلیغات را با فدراسیون تقسیم کند تا فدراسیون بابت مالیات بر درآمد سرمربی و از این دست مخارج، برای او هزینه کند.

یعنی فدراسیون خود را مکلف به پرداخت مالیات سنگین ویلموتس کرده، کفایت می‌کند... در ادامه قرارداد در بند ۲ تعهدات عنوان شده است: «سرمربی ایران متعهد می‌شود در هیچ مصاحبه برنامه‌ریزی شده و کنفرانس مطبوعاتی شرکت نکند و هیچ نظری در مورد شرایط فدراسیون فوتبال ندهد. او به غیر از مسائلی که در مورد تیم ملی و داخل زمین است، نباید راجع به موضوعات دیگری اظهار نظر کند.» ؛

هدف اصلی در این بند از قرارداد ویلموتس این است که راجع به فدراسیون فوتبال حرف نزنند ولی این بند در قرارداد با کی‌روش وجود نداشت و کی‌روش نه فقط در مورد فدراسیون، بلکه راجع

به کل کشور حرف می‌زد! در بند ۸ قرارداد ویلموتس آمده است: هر نوبت غیبت در جلسه تمرینی تیم ملی باید با مجوز کتبی رئیس فدراسیون فوتبال باشد و در صورتی که این رضایت‌نامه دریافت نشده باشد، از اقساط قرارداد کسر و جریمه‌ای برای او لحاظ می‌شود.

در بند یک آمده که فدراسیون تعهد می‌کند ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار یورو در سال را از تاریخ ۲ ژوئن ۲۰۱۹ به مدت یک سال پرداخت کند و مبلغ ۷ میلیون و ۸۷۵ هزار یورو تا تاریخ یک ژوئن ۲۰۲۲ برای مدت کل قرارداد به ویلموتس بپردازد و هزینه‌ی مالیات سرمربی برعهده فدراسیون است! همچنین فدراسیون باید ۱۰ درصد از مبالغ دریافتی از فیفا را به سرمربی ایران پرداخت کند.

در ادامه ، بخش دیگری از بندهای عجیب در قرارداد فدراسیون فوتبال با مارک ویلموتس است: «فدراسیون باید برای سرمربی شرایط حمل و نقل، بلیت هواپیمای بیزینس کلاس، هتل و اتاق فرست کلاس تهیه کند.»، «فدراسیون باید ۵ بلیت بیزینس کلاس برای برگشت سرمربی تیم ملی در هر جایی که باشد، تهیه کند.»، «در مدت قرارداد باید بالاترین و بهترین بیمه عمر برای سرمربی تهیه و تحویل او شود.»، «فدراسیون باید در مدت قرارداد برای سرمربی تیم ملی، محل اقامت و تجهیزات مناسب و رایگان تهیه کند که متناسب با نمونه‌های بین‌المللی باشد!»، «تمام هزینه‌های مربوط به مالیات دولت ایران، مالیات بر درآمد، بیمه سلامت، ویزا، اجازه کار و تمام

مالیات‌های مبالغ دیگر می‌بایست توسط فدراسیون فوتبال ایران پرداخت شود و فدراسیون می‌بایست تمام برگه‌های پرداختی مالیات را به سرمربی ارائه دهد تا جای هیچ شک و شبهه‌ای نماند.»

در بند ۱۰ این قرارداد عنوان شده است: «سرمربی تیم ملی حق استفاده از سه دستیار خارجی را دارد که هر کدام به صورت جداگانه با فدراسیون قرارداد خواهند داشت و قراردادهایشان هیچ ارتباطی به سرمربی ندارد. ضمناً این مربیان می‌توانند به فدراسیون مشاوره دهند و همچنین حقوق این دستیاران خارجی به صورت روزمزد است.

-همچنین در بندهای ۱۱ و ۱۲ این قرارداد آمده: «فدراسیون باید مدیر تیم، ماساژور، مدیر رسانه‌ای، مترجم، پزشک، فیزیوتراپیست و هر کارمند دیگری برای تیم اول مورد نیاز است را استخدام کند.» و با صلاحدید سرمربی تیم ملی تمام پرداختی‌های او که مورد توافق قرار گرفته، از یک درگاه بانکی بدون هزینه، مشخص و خیلی سریع و با توجه به تحریم‌هایی که علیه ایران است، در یک بانک خارج از ایران که توسط سرمربی تیم ملی بعداً به صورت کتبی اعلام می‌گردد، پرداخت شود.

در بند یک این بخش عنوان شده: هیچکدام از طرفین حق ندارند کُل یا بخشی از قرارداد را در اختیار کسی قرار بدهند، مگر در اختیار مشاورین حسابرس خود و البته در صورت اجبار

می‌توانند آن را در اختیار مقامات دولتی بگذارند، اما در کل، این قرارداد باید محرمانه بماند.

در پایان قرارداد فدراسیون با ویلموتس که عجیب هم هست و اشاره‌ای به تعداد بندها و عناوین درج شده در آن ندارد، نوشته شده است: این قرارداد در ۸ صفحه توسط طرفین قرارداد ملاحظه و امضاء شده است. این قرارداد در دو نسخه فارسی و انگلیسی در اختیار طرفین قرار داده شده است که در صورت تضاد بین دو نسخه فارسی و انگلیسی، نسخه انگلیسی مورد تایید است.

نهایتاً فدراسیون جهانی فوتبال - فیفا - ایران را به پرداخت ۶ میلیون و ۱۳۷ هزار یورو جریمه به مارک ویلموتس، محکوم کرد.

بحران های مدیریت در محیط زیست

یکی از بحران هایی که کشور با آن مواجه است بحران آلودگی هواست که این آلودگی علل مختلفی دارد

استاندارد نبودن بنزین : بنزین مصرفی در ایران غیر استاندارد است که باعث افزایش مصرف سوخت می شود این بنزین حتی در ماشین های استاندارد هم مصرف سوخت را افزایش می دهد

و باعث ایجاد آلودگی هوا می شود، این در حالی است که این بنزین در خودروهای غیر استاندارد داخلی و چینی با مصرف سوخت بالا استفاده می شود که باعث به وجود آمدن بحران آلودگی هوا و مبتلا شدن مردم به بیماری های لاعلاج مثل افزایش بیماری های سرطان، پوست و اعصاب شده است، از جانب دیگر این خوروهای غیر استاندارد سالانه باعث مرگ و قطع عضو ده ها هزار نفر در سال می شوند، البته آلودگی هوا علل دیگری نیز دارد مثل بروز نبودن کارخانه ها و استفاده از دستگاه های قدیمی و فرسوده که باعث مصرف بالای انرژی می شوند و بهره وری را پایین می آورند و هزینه ها را بالا می برد، فقط اگر مسئله خودرو و بنزین در ایران حل شود بسیاری از بحران ها برطرف می شود و جلوی بحران های سلسله وار دیگر نیز گرفته می شود.

بنزین تولید شده در ایران با مشکلات عدیده ای مواجه است که تأثیرات گسترده ای بر اقتصاد، محیط زیست و زندگی مردم گذاشته که عبارتند از:

۱. **ناترازی بین تولید و مصرف** : مصرف بنزین در ایران به طور قابل توجهی افزایش یافته است، در حالی که تولید داخلی به علت عدم کیفیت مصرف را بالا می برد و در نتیجه نمی تواند به طور کامل این نیاز را پوشش دهد. این مسئله منجر به وابستگی به واردات و فشار بر منابع ارزی کشور شده است.

۲. کیفیت پایین خودروهای داخلی : خودروهای داخلی فاقد استانداردهای لازم هستند به همین علت مصرف سوخت و آلایندگی را افزایش می‌دهد.

۳. فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل عمومی : ناوگان حمل‌ونقل عمومی در ایران به شدت فرسوده است که نه تنها مصرف سوخت را افزایش می‌دهد، بلکه ایمنی سفرها، جان و سلامت مردم را نیز به خطر می‌اندازد.

۴. آلودگی هوا : مصرف بالای بنزین و کیفیت پایین سوخت تولیدی و همچنین کیفیت پایین سوخت نیروگاه‌ها و کارخانه‌هایی که همچنان با تکنولوژی قدیمی کار می‌کنند منجر به افزایش آلودگی هوا در شهرها شده است.

۵. قاچاق سوخت : به دلیل تفاوت قیمت سوخت در ایران و کشورهای همسایه، به یک مشکل جدی تبدیل شده است که منابع کشور را هدر می‌دهد، که البته همین بنزینی که قاچاق می‌شود به دلیل تولید در پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌های قدیمی دو چندان به آلودگی هوا می‌افزاید.

همچنین شرایط جوی مانند وارونگی دما باعث تجمع آلاینده‌ها در نزدیکی سطح زمین شده و وضعیت آلودگی را تشدید می‌کند و اثرات جدی بر سلامت انسان‌ها داشته باشد، از جمله:

مشکلات تنفسی مانند آسم، برونشیت، بیماری‌های مزمن ریوی، افزایش خطر حملات قلبی و بیماری‌های قلبی-عروقی،

تأثیرات منفی بر سیستم عصبی و عملکرد مغز همچنین ذرات معلق خطر ابتلا به سرطان را افزایش می دهد.

آلودگی هوا نه تنها بر سلامت انسان‌ها، بلکه بر محیط زیست نیز تأثیرات منفی دارد:

- برخی از آلاینده‌ها مانند کربن دی‌اکسید و سولفور دی‌اکسید می‌توانند به تخریب لایه اوزون منجر شوند.

- همچنین گازهای گلخانه‌ای مانند دی‌اکسید کربن و متان به افزایش دمای زمین و تغییرات اقلیمی کمک می‌کنند، آلودگی هوا به اکوسیستم‌ها گیاهان، حیوانات و منابع آبی آسیب می‌رساند.

برای مقابله با این چالش‌ها، اقداماتی مانند به روز کردن تکنولوژی کارخانه‌ها و پالایشگاه‌ها، نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی، بهبود کیفیت خودروهای داخلی، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت ضروری به نظر می‌رسد همچنین استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی و گرمایش زمین، استفاده از سوخت‌های پاک‌تر و کاهش گوگرد در سوخت‌ها، توسعه و بهبود سیستم‌های حمل و نقل عمومی برای کاهش استفاده از خودروهای شخصی، کاشت درختان، ایجاد و افزایش فضای سبز در شهرها برای جذب آلاینده‌ها ضروری است.

بحران قاچاق

علت وقوع قاچاق به عدم مدیریت در تمامی بخش های کشور مربوط می شود، دادن سوبسید به بخش هایی که ضرورت ندارد و عدم نظارت بر سوبسیدها که منجر به تولید محصول ارزان شده که انگیزه برای قاچاق را افزایش می دهد. برخی از مهم ترین کالاهایی که از ایران قاچاق می شوند و دلایل این قاچاق عبارتند از: بنزین و گازوئیل از جمله مهم ترین کالاهایی هستند که از ایران قاچاق می شوند. دلیل اصلی این قاچاق، تفاوت قیمت بالای سوخت در ایران و کشورهای همسایه است، مواد غذایی مثل برنج، چای، رب گوجه فرنگی و سیگار نیز به دلیل قیمت پایین تر در ایران نسبت به کشورهای همسایه قاچاق می شوند، همچنین برخی فلزات و مواد معدنی نیز به دلیل ارزش بالای آنها در بازارهای بین المللی و کالاهای مصرفی مانند پوشاک، لوازم الکترونیکی و لوازم خانگی نیز به دلیل تفاوت قیمت و تقاضای بالا به کشورهای همسایه قاچاق می شوند.

از دیگر دلایل قاچاق می توان به اختلاف قیمت کالاها در ایران و کشورهای همسایه اشاره کرد، این اختلاف قیمت به قاچاقچیان انگیزه می دهد تا کالاها را به صورت غیرقانونی از مرزها عبور دهند، همچنین ضعف در نظارت و کنترل مرزها، سیستم های حمل و نقل می تواند به قاچاق کالا کمک کند ضمن اینکه قاچاق کالا به دلیل سودآوری بالا جذابیت زیادی دارد، مشکلات اقتصادی و بیکاری در ایران نیز می تواند افراد را به سمت قاچاق کالا سوق دهد.

قاچاق کالا تأثیرات منفی زیادی بر اقتصاد و جامعه گذاشته است که سبب کاهش درآمدهای دولت از طریق مالیات و عوارض شده و به افزایش قیمت کالاها در بازارهای داخلی منجر

شده است. همچنین قاچاق کالا به تولیدکنندگان داخلی آسیب می‌رساند و رقابت ناعادلانه‌ای ایجاد کرده است.

برای مقابله با قاچاق کالا باید نظارت و کنترل مرزها را افزایش داده شود و قیمت کالاها در داخل کشور را به قیمت جهانی نزدیک کرد، همچنین افزایش مجازات‌های قانونی برای قاچاقچیان کالا با این پدیده مقابله می‌کند. قاچاق کالا به داخل ایران نیز به دلایل مختلفی انجام می‌شود، یکی از اصلی‌ترین کالاهای قاچاق شده به ایران، مواد مخدر است. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی در مسیر ترانزیت از افغانستان به اروپا قرار دارد همچنین به دلیل ممنوعیت مصرف و فروش مشروبات الکلی در ایران، این کالاها به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند، کالاهایی مانند پوشاک، لوازم آرایشی و بهداشتی، و لوازم الکترونیکی برندهای معروف به دلیل تقاضای بالا و قیمت پایین‌تر در بازارهای خارجی، به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند، برخی از داروها و تجهیزات پزشکی که در داخل کشور کمیاب یا گران هستند، به صورت قاچاق وارد می‌شوند.

از دلایل قاچاق برخی از کالاها به داخل کشور تقاضای بالا برای کالاهایی که در داخل کشور ممنوع یا کمیاب هستند، همچنین تفاوت قیمت کالاها در بازارهای خارجی و داخلی می‌تواند انگیزه‌ای برای قاچاقچیان ایجاد کند، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های قانونی و شرعی برای برخی کالاها مانند مشروبات الکلی و مواد مخدر، باعث افزایش قاچاق این کالاها می‌شود و

ضعف در نظارت و کنترل مرزها و سیستم‌های حمل و نقل باعث تشدید این پدیده شده است.

در کشور لابی‌هایی وجود دارد که به اسم سوبسید به مردم، کالاها را کمتر از ارزش واقعی آن‌ها را به بازار عرضه میکنند، ولی همین لابی‌های قدرتمند این کالاها را قبل از ورود به بازار به خارج از کشور قاچاق می‌کنند، به این صورت چرخه پول سازی قانونی برای خود ایجاد کرده‌اند و دولت نیز به بهانه سوبسید به مردم و شرکت‌ها، دستمزد واقعی به مردم نمی‌دهد. به این صورت خواسته یا ناخواسته کشور را وارد یک چرخه فساد سیستماتیک می‌کند.

اما مهمترین اقدام برای مبارزه با قاچاق، واقعی سازی قیمت‌ها و دستمزد‌هاست، در صورتی که این اقدام به درستی مدیریت شود، نه تنها در بحث قاچاق که در بسیاری از موارد دیگر نیز مشکلات حل می‌شود.

کمبود و آلودگی منابع آب در ایران

تغییرات اقلیمی و کاهش بارندگی‌ها باعث کاهش منابع آبی شده این موضوع به ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک ایران تأثیرات شدیدی داشته است، ضمن اینکه استفاده بی‌رویه از منابع آب‌های زیرزمینی و سطحی بدون برنامه‌ریزی مناسب، باعث کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و خشک شدن رودخانه‌ها و تالاب‌ها شده است، همچنین ورود فاضلاب‌های

صنعتی و شهری به منابع آبی باعث آلودگی می‌شود. این آلودگی‌ها شامل مواد شیمیایی، فلزات سنگین و میکرو ارگانسیم‌های بیماری‌زا هستند، استفاده بی‌رویه از آب برای کشاورزی، به ویژه در مناطق کم‌آب، باعث کاهش منابع آبی شده است. کشاورزی نامتوازن و استفاده از روش‌های آبیاری ناکارآمد نیز به این مشکل دامن زده است، ساخت سدهای متعدد بدون توجه به تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی، باعث کاهش جریان آب در رودخانه‌ها و خشک شدن تالاب‌ها شده است. یکی از بزرگترین خطاهای مدیریتی، عدم برنامه‌ریزی بلندمدت برای مدیریت منابع آبی است. بسیاری از پروژه‌های آبی بدون توجه به تأثیرات بلندمدت آن‌ها اجرا شده‌اند، نظارت ناکافی بر استفاده از منابع آبی و عدم کنترل بر ورود فاضلاب‌های صنعتی و شهری به منابع آب، باعث افزایش آلودگی و کاهش کیفیت آب شده، عدم توجه به تغییرات اقلیمی و تأثیرات آن بر منابع آبی، یکی دیگر از خطاهای مدیریتی است. برنامه‌ریزی‌های انجام شده اغلب بر اساس شرایط گذشته بوده و به تغییرات جدید توجهی نشده است، استفاده از تکنولوژی‌های قدیمی و ناکارآمد در مدیریت منابع آبی، باعث افزایش هدررفت آب و کاهش کارایی سیستم‌های آبیاری شده است که به دلیل عدم آموزش و آگاهی‌رسانی به مردم و کشاورزان در مورد استفاده بهینه از منابع آب و روش‌های کاهش آلودگی، یکی دیگر از مشکلات مدیریتی است.

برای کاهش کمبود و آلودگی منابع آب و بهبود وضعیت زیست‌محیطی، نیاز به اقدامات جدی و هماهنگ داریم که توسعه و استفاده از سیستم‌های آبیاری قطره‌ای و تحت فشار برای کاهش هدررفت آب در کشاورزی، تقویت نظارت بر استفاده از منابع آبی و کنترل ورود فاضلاب‌های صنعتی و شهری به منابع آب، افزایش آموزش و آگاهی‌رسانی به مردم و کشاورزان در مورد استفاده بهینه از منابع آب و روش‌های کاهش آلودگی، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت با توجه به تغییرات اقلیمی و تأثیرات آن بر منابع آبی، استفاده از تکنولوژی‌های نوین و کارآمد در مدیریت منابع آبی و کاهش هدررفت آب از این جمله‌اند.

عدم توجه به تغییرات اقلیمی و خطاهای مدیریتی منجر به تغییرات بلندمدت در الگوهای آب و هوایی اشاره دارد که به دلیل فعالیت‌های انسانی و افزایش گازهای گلخانه‌ای رخ می‌دهد. این تغییرات تأثیرات جدی بر منابع آبی داشته است، از جمله کاهش بارش، افزایش تبخیر و تغییر در الگوهای جریان آب. در ایران، عدم توجه به این تغییرات و عدم تطبیق برنامه‌های مدیریتی با شرایط جدید اقلیمی، یکی از خطاهای بزرگ مدیریتی محسوب می‌شود.

خطاهای مدیریتی رخ داده مرتبط با عدم پیش‌بینی و برنامه‌ریزی درباره بسیاری از برنامه‌های مدیریتی که بر اساس الگوهای آب و هوایی گذشته طراحی شده‌اند و به تغییرات جدید توجهی نشده است. این موضوع باعث شده تا منابع آبی به درستی مدیریت نشوند و بحران آب تشدید شود.

این خطاها با عدم استفاده از داده‌های علمی ادامه پیدا می‌کنند، در بسیاری از موارد داده‌های علمی و پیش‌بینی‌های اقلیمی نادیده گرفته شده‌اند تا تصمیم‌گیری‌ها بر اساس اطلاعات ناقص و قدیمی انجام شود، همچنین زیرساخت‌های آبی کشور برای مواجهه با تغییرات اقلیمی به‌روزرسانی نشده‌اند. این موضوع باعث شده تا سیستم‌های آبیاری و ذخیره‌سازی آب ناکارآمد باشند و هدررفت آب افزایش یابد که این به دلیل عدم آموزش و آگاهی‌رسانی به مردم و کشاورزان در مورد تأثیرات تغییرات اقلیمی و روش‌های مقابله با آن، یکی دیگر از مشکلات مدیریتی است. این موضوع باعث شده تا بسیاری از مردم به روش‌های نادرست از منابع آب استفاده کنند.

همچنین زدن چاه‌های عمیق و کاشت درختانی با مصرف آب بالا که بی‌ثمر یا بی‌کیفیت هستند و چند برابر شدن زمین‌های زیر کشت و ساخت باغ‌های غیر ضروری نیز از دیگر علل بحران آبی است.

عدم سرمایه‌گذاری کافی در تکنولوژی‌های نوین و کارآمد یکی دیگر از خطاهای مدیریتی است. این موضوع باعث شده تا بسیاری از پروژه‌های آبی با استفاده از تکنولوژی‌های قدیمی اجرا

شوند و کارایی لازم را نداشته باشند، استفاده نادرست از تکنولوژی در مدیریت منابع آب به معنای استفاده از فناوری‌های قدیمی و ناکارآمد است که منجر به هدررفت آب و کاهش کارایی سیستم‌های آبیاری می‌شود.

حتی بسیاری از تکنولوژی‌های وارداتی بدون توجه به شرایط محلی و اقلیمی ایران استفاده می‌شوند. این موضوع باعث شده تا این تکنولوژی‌ها کارایی لازم را نداشته باشند و منابع آب به درستی مدیریت نشوند.

که این در کنار عدم آموزش و آگاهی‌رسانی به کشاورزان و مدیران در مورد استفاده از تکنولوژی‌های نوین و کارآمد، یکی دیگر از مشکلات مدیریتی است. این موضوع باعث شده تا بسیاری از کشاورزان به روش‌های قدیمی و ناکارآمد از منابع آب استفاده کنند.

برای بهبود مدیریت منابع آب و کاهش استفاده نادرست از تکنولوژی، نیاز به اقدامات جدی و هماهنگ داریم که شامل استفاده از تکنولوژی‌های نوین و کارآمد در مدیریت منابع آبی و کاهش هدررفت آب، افزایش آموزش و آگاهی‌رسانی به کشاورزان و مدیران در مورد استفاده از تکنولوژی‌های نوین و کارآمد، استفاده از تکنولوژی‌هایی که با شرایط محلی و اقلیمی ایران سازگار باشند و استفاده از سیستم‌های آبیاری قطره‌ای و تحت فشار برای کاهش هدررفت آب در کشاورزی می‌شود.

عدم هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و خطاهای مدیریتی، یکی از مشکلات اساسی در مدیریت منابع آب در ایران است. این موضوع باعث شده تا برنامه‌ها و پروژه‌های مرتبط با مدیریت منابع آب به صورت پراکنده و بدون هماهنگی لازم اجرا شوند. این عدم هماهنگی می‌تواند منجر به هدررفت منابع، دوباره‌کاری‌ها و کاهش کارایی پروژه‌ها شود.

خطاهای مدیریتی مرتبط که رخ داده شامل تفرق سازمان‌های تصمیم‌گیر است، یکی از مشکلات اصلی وجود سازمان‌ها و نهادهای متعدد با وظایف مشابه در حوزه مدیریت منابع آب است. این موضوع باعث شده تا تصمیم‌گیری‌ها به صورت پراکنده و بدون هماهنگی لازم انجام شود، همچنین نبود یک نهاد مرکزی و قدرتمند که بتواند تمامی فعالیت‌ها و برنامه‌های مرتبط با مدیریت منابع آب را هماهنگ کند، یکی دیگر از مشکلات مدیریتی است. این موضوع باعث شده تا هر سازمان به صورت مستقل عمل کند ضمن اینکه نبود شفافیت در وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌ها و نهادهای مختلف باعث شده تا بسیاری از پروژه‌ها به دلیل تداخل وظایف و مسئولیت‌ها به درستی اجرا نشوند، عدم همکاری و هماهنگی بین بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی نیز یکی دیگر از مشکلات مدیریتی است. این موضوع باعث شده تا بسیاری از پروژه‌ها به دلیل نبود همکاری و هماهنگی لازم به درستی اجرا نشوند.

دولتی بودن صنایع و خطاهای مدیریتی

دولتی بودن بسیاری از صنایع در ایران و عدم توجه به بهره‌وری و کارایی در استفاده از منابع آب، یکی از مشکلات اساسی در مدیریت منابع آب است. صنایع دولتی به دلیل عدم رقابت و نبود انگیزه‌های اقتصادی برای بهینه‌سازی مصرف آب، معمولاً به طور ناپایدار از منابع آبی استفاده می‌کنند. این موضوع به ویژه در صنایع بزرگ و پرمصرف آب مشهود است. در صورتی که در کشورهای پیشرفته برای استفاده از منابع محدودیت وجود دارد حتی برای میزان آلودگی محیط زیست سقف تعیین شده است و این امکان فراهم شده که در صورتی که صنعتی کمتر از سقف مجاز از آلودگی محیط زیستی استفاده کرد مازاد آن را در بازار به دیگر صنایع بفروشد.

خطاهای مدیریتی مرتبط

یکی از خطاهای مدیریتی، عدم برنامه‌ریزی مناسب برای آموزش و آگاهی‌رسانی به مردم و کشاورزان است. بسیاری از برنامه‌های آموزشی به صورت پراکنده و بدون هماهنگی لازم اجرا می‌شوند و تأثیرگذاری کافی ندارند، استفاده ناکافی از رسانه‌های مناسب برای انتقال اطلاعات و آموزش‌های لازم باعث شده تا بسیاری از افراد به اطلاعات لازم دسترسی نداشته باشند، برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌رسانی اغلب بدون توجه به نیازها و شرایط محلی طراحی و اجرا می‌شوند. این موضوع باعث شده تا این

برنامه‌ها کارایی لازم را نداشته باشند و تأثیرگذاری آن‌ها کاهش یابد، نبود سیستم‌های پیگیری و ارزیابی برای بررسی تأثیرگذاری برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌رسانی، یکی دیگر از مشکلات مدیریتی است. این موضوع باعث شده تا بسیاری از برنامه‌ها بدون ارزیابی و بهبود مستمر اجرا شوند

مشکل آب و فاضلاب در ایران

ایران با مشکلات جدی در زمینه آب و فاضلاب مواجه است. این مشکلات شامل کمبود آب، کیفیت پایین آب شرب، و ناکارآمدی سیستم‌های فاضلاب می‌شود. برخی از دلایل اصلی این مشکلات این است که ایران در سال‌های اخیر با خشکسالی‌های پی‌درپی مواجه بوده که باعث کاهش منابع آبی

شده است و افزایش جمعیت و مصرف بی‌رویه آب، به ویژه در شهرهای بزرگ، فشار زیادی بر منابع آبی وارد کرده است که باعث آلودگی منابع آبی به دلیل دفع نادرست فاضلاب‌های صنعتی و شهری، کیفیت آب شرب را کاهش داده است.

خطاهای مدیریتی و مدیریت نادرست منابع آب و فاضلاب نیز به این مشکلات دامن زده است،

بسیاری از پروژه‌های آبی و فاضلابی بدون برنامه‌ریزی بلندمدت و جامع اجرا می‌شوند که باعث ناکارآمدی و هدررفت منابع می‌شود، مدیریت نادرست منابع آبی از جمله عدم استفاده بهینه از منابع موجود و عدم توجه به نیازهای محلی مشکلات را تشدید کرده است علاوه بر آن استفاده نکردن از فناوری‌های

نوبن در مدیریت آب و فاضلاب، باعث کاهش کارایی سیستم‌ها و افزایش هزینه‌ها شده است، که نبود سیستم‌های نظارتی و ارزیابی مستمر برای بررسی عملکرد پروژه‌ها و اصلاح خطاها مشکلات مدیریتی را تشدید می‌کند.

البته مشکل بسیار از این فراتر است ما در دیپلماسی هم دچار خطاهای فراوان هستیم البته در اینجا فقط به خطاهای مدیریتی دیپلماسی در حوزه آب می‌پردازیم

مثلا سفیر ترکیه وقتی با اعتراض درباره طرح های بزرگ آبی (گاپ) که سبب خشکی دجله و فرات شده بود و به همین علت ریزگردها نیمی از ایران را در نوردیده بود مواجه شد در جواب اصفهان و خوزستان را گوشزد کرد که با اشتباهات مسئولین سبب خشکی و ریزگرد و گرد و غبار شده بودند

همچنین در بحث حق آبه ایران از رودخانه هیرمند افغانستان حداقل در ده سال گذشته حکومت های افغانستان از تعهد خود سر باز زده اند و حق قانونی و مسلم ایران و مردم سیستان را نمی دهند اما عمق فاجعه مدیریتی و حکمرانی اینجاست که علاوه بر اینکه افغان ها ما را از حق آبه محروم کرده اند و باعث به وجود آمدن بحران هایی مثل نبود آب و طوفان‌های مداوم شن و ریزگرد شده اند که عملاً زندگی در سیستان را غیرممکن کرده است؛ تا حدی که بسیاری از روستاها ویران و با مهاجرت گسترده مردم، خالی از سکنه شده است ، با این حال اندک آبی که به زحمت آب شرب مردم را تأمین می‌کند به شهر زرنج افغانستان منتقل می‌شود! که این امر سبب کمبود آب،

مهاجرت، تنش های اجتماعی شده، کمبود و کاهش کیفیت آب تأثیرات منفی بر سلامت عمومی داشته است دسترسی محدود به آب پاکیزه منجر به افزایش بیماری های مرتبط با آب شده است که به افزایش اضطراب و افسردگی در جامعه منجر می شود.

حل مسئله حق آبه هیرمند نیازمند همکاری و تلاش های مشترک بین المللی، منطقه ای و محلی، مذاکرات دیپلماتیک، مدیریت منابع آب، پروژه های مشترک آبی، افزایش آگاهی عمومی در مورد اهمیت مدیریت منابع آب و تأثیرات تغییرات اقلیمی و تمرکز بر توسعه پایدار و استفاده از منابع تجدیدپذیر می تواند به کاهش وابستگی به منابع آب محدود کمک کند

برای حل این گونه مسائل باید به مدیریت منابع آب در کنار دیپلماسی پرداخت مانند:

با استفاده از سیاست های مدیریت جامع منابع و تشویق به صرفه جویی در مصرف آب، می توان بحران آب را مدیریت کرد. یکی از اقدامات شامل جمع آوری و ذخیره آب باران برای استفاده در کشاورزی و فضای سبز شهری و خانگی کرد همچنین با استفاده از فناوری های پیشرفته در تصفیه و بازیافت آب مثل استفاده از سیستم های آبیاری قطره ای و تصفیه آب فاضلاب می توان نیازهای آبی را تأمین کرد.

با استفاده از سیستم های پیشرفته مدیریت آب و ساخت سدها و کانال ها می توان از منابع آب به بهترین شکل ممکن استفاده

کرد، فناوری‌های نوین و همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند مشکلات مربوط به کمبود آب را حل کند.

شرکت‌های دانش بنیان

شرکت‌های دانش بنیان در ایران به دلیل دریافت حمایت‌های مالی و تسهیلات مختلف، هزینه‌هایی را به کشور تحمیل کرده‌اند، همچنین مشمول قانون حمایت از شرکت‌های دانش بنیان می‌باشند و از معافیت مالیاتی استفاده می‌کنند.

کمک‌های مالی و معافیت از مالیات سبب شده که اکثریت مطلق این شرکت‌ها پوششی برای دلالتی و واردات کالاهای دسته چندم و بی کیفیت چینی و هندی باشند و همانطور که مدیران شرکت‌های خودروساز داخلی حاضر نیستند سوار بر خودروهای ساخت کارخانه خودشان شوند ولی تحت عنوان ملی و حمایت از کالای داخلی جلوی واردات خودرو را گرفته و از حمایت‌های ویژه دولتی برخوردار شده‌اند، مدیران شرکت‌های دانش بنیان بجز تعدادی انگشت شمار از آنها حاضر نیستند از تولیدات خودشان استفاده کنند مخصوصاً شرکت‌هایی که در حوزه پزشکی و داروسازی فعال هستند، این شرکت‌ها همه روزه با ارائه گزارش‌های دروغ درباره ابداع محصولات جدید از میلیاردها دلار بودجه دولتی استفاده می‌کنند حال اگر فقط نیمی از این گزارش‌ها درست بود باید ایران امروز در زمره کشورهای پیشرفته قرار داشت و جزو اقتصادهای بزرگ

محسوب می شد و در این صورت ایران به یک کشور تحریم ناپذیر تبدیل می شد ولی این گونه نیست، باید قبل از اینکه شرکت های دانش بنیان مثل شرکت های خودروسازی تبدیل به درد بی علاج اقتصاد کشور نشده اند برای آن ها فکری اساسی کرد

این شرکت ها علاوه بر معافیت های مالیاتی که به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت منجر می شوند از

تسهیلات و وام های کم بهره هم بهره مند شده اند که هزینه های مالی برای دولت ایجاد کرده است

حمایت های گمرکی و معافیت های گمرکی برای واردات تجهیزات و مواد اولیه نیز بخشی از هزینه های تحمیل شده به کشور است که اقشار آسیب پذیر جور این حمایت هایی که نه دولت نه ملت از آن بهره ای می برند را می کشند همچنین این شرکت ها از تخفیف ها و معافیت های بیمه ای و تأمین اجتماعی برخوردار هستند که فشار بر بودجه و در نهایت مردم را افزایش می دهد.

در صورت تصویب قوانینی در جهت شفافیت عملکرد شرکت های دانش بنیان می توان جلوی سوءاستفاده و کلاهبرداری را گرفت

بحران مسکن

بحران مسکن معمولاً نتیجه مجموعه‌ای از خطاهای مدیریتی و سیاست‌گذاری‌های نادرست است. در ادامه به برخی از خطاها اشاره می‌کنیم .

عدم برنامه‌ریزی بلندمدت یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند به بحران مسکن منجر شود که شامل کمبود عرضه مسکن است، بدون برنامه‌ریزی بلندمدت، دولت‌ها و نهادهای مسئول نمی‌توانند به درستی نیازهای آینده بازار مسکن را پیش‌بینی کنند.

برنامه‌ریزی بلندمدت به توسعه متوازن مناطق مختلف کمک می‌کند. عدم برنامه‌ریزی باعث شده برخی مناطق بیش از حد توسعه یابند و برخی دیگر نادیده گرفته شوند، که این موضوع به نابرابری‌های منطقه‌ای و اجتماعی منجر شده است

عدم برنامه‌ریزی بلندمدت شامل توسعه زیرساخت‌های لازم مانند حمل و نقل، خدمات عمومی و امکانات رفاهی است. عدم برنامه‌ریزی برای مناطق جدید مسکونی باعث شده با کمبود زیرساخت‌های ضروری مواجه شوند که کیفیت زندگی ساکنان را تحت تأثیر قرار داده است.

عدم هماهنگی بین نهادها و برنامه‌ریزی بلندمدت که نیازمند هماهنگی بین نهادهای مختلف دولتی و خصوصی است. عدم این هماهنگی، سبب شده پروژه‌های مسکونی به تأخیر بيفتند و به درستی اجرا نشوند.

برنامه‌ریزی بلندمدت برای ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی پروژه‌های مسکونی، بدون این ارزیابی‌ها، توسعه‌های مسکونی می‌توانند به تخریب محیط زیست و کاهش کیفیت زندگی منجر شوند.

زیرا عدم برنامه‌ریزی بلندمدت می‌تواند به مشکلات جدی در بازار مسکن منجر شود که تأثیرات آن بر اقشار مختلف جامعه و اقتصاد کشور بسیار گسترده است. برنامه‌ریزی جامع و بلندمدت می‌تواند به ایجاد بازار مسکن پایدار و متعادل کمک کند. افزایش جمعیت و مهاجرت به شهرها و عدم توجه به مسکن و کار روستایی هم باعث افزایش تقاضا برای مسکن شده است، در حالی که عرضه مسکن به اندازه کافی افزایش نیافته است.

سیاست‌های اقتصادی نادرست و تورم مزمن باعث افزایش قیمت مسکن شده است. تمرکز سرمایه‌ها بر روی ملک برای حفاظت از سرمایه نیز به این مشکل دامن زده است.

افزایش نابرابری‌های درآمدی باعث شده است که افراد و خانواده‌های کم‌درآمد نتوانند گزینه‌های مناسب مسکن را تهیه کنند.

سفته‌بازی و شیوه‌های سرمایه‌گذاری در بازار املاک باعث افزایش قیمت مسکن شده و بحران مسکن را تشدید کرده است.

کمبود زیرساخت‌ها و منابع لازم برای ساخت و ساز مسکن نیز یکی از عوامل بحران مسکن است.

این عوامل باعث شده‌اند که بسیاری از افراد نتوانند مسکن مناسب و قابل پرداخت پیدا کنند و به شرایط نامناسب زندگی مجبور شوند. برای حل این بحران، نیاز به سیاست‌های مسکن مناسب، توسعه ساخت و ساز، تنظیم بازار مسکن و تقویت همکاری بین بخش عمومی و خصوصی است.

عدم نظارت کافی، کیفیت ساخت و سازها را کاهش داده است. این موضوع به ایجاد مسکن‌های نامناسب و غیرقابل سکونت منجر شده که در بلندمدت هزینه‌های تعمیر و نگهداری را افزایش می‌دهد و کیفیت زندگی ساکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

عدم نظارت موثر می‌تواند به افزایش تخلفات ساختمانی منجر شود. این تخلفات می‌توانند شامل ساخت و سازهای غیرمجاز، تجاوز به حریم‌های عمومی و خصوصی، و عدم رعایت مقررات ایمنی و بهداشتی باشند.

نبود نظارت بر بازار مسکن می‌تواند به افزایش قیمت‌ها و ایجاد حباب‌های قیمتی منجر شود. این وضعیت باعث شده دسترسی به مسکن را برای اقشار کم‌درآمد دشوارتر شود و نابرابری‌های اجتماعی را تشدید کند.

عدم نظارت و کنترل زمینه‌ساز فساد و سوءاستفاده در بخش‌های مختلف مرتبط با مسکن شده. این فساد شامل تخصیص ناعادلانه زمین، صدور مجوزهای غیرقانونی و سوءاستفاده از منابع عمومی می‌باشد.

بدون نظارت کافی، ممکن است استانداردهای ساخت و ساز و زیست‌محیطی رعایت نشوند. این موضوع می‌تواند به تخریب محیط زیست و کاهش کیفیت زندگی منجر شود.

عدم نظارت و کنترل موثر می‌تواند به مشکلات جدی در بازار مسکن منجر شود که تأثیرات آن بر اقشار مختلف جامعه و اقتصاد کشور بسیار گسترده است. نظارت دقیق و کنترل موثر می‌تواند به ایجاد بازار مسکن پایدار و متعادل کمک کند و از بروز بحران‌های مسکن جلوگیری کند.

سفته‌بازی و سرمایه‌گذاری در بازار املاک * * یکی از عوامل مهم بحران مسکن در ایران است. در اینجا به تفصیل به این موضوع می‌پردازیم:

سفته‌بازی و سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد در بازار املاک باعث افزایش قیمت مسکن شده است. افراد و شرکت‌ها با خرید و نگهداری املاک به امید افزایش قیمت، تقاضا را افزایش داده و قیمت‌ها را به طور مصنوعی بالا می‌برند.

به دلیل عدم امنیت اقتصادی مردم به سرمایه‌گذاری‌های سفته‌بازانه روی آورده اند که باعث شده بسیاری از املاک خالی بمانند و به بازار عرضه نشوند که موجب افزایش قیمت‌ها

و کاهش عرضه مسکن شده است به همین دلیل اقشار کم درآمد نمی توانند به مسکن مناسب دسترسی پیدا کنند. این وضعیت نابرابری‌های اجتماعی را تشدید کرده و تأثیرات منفی بر اقتصاد کلان گذاشته است

سفته‌بازی و سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد در بازار املاک از عوامل مهم بحران مسکن در ایران است. برای حل این مشکل، نیاز به سیاست‌های مناسب برای کنترل سفته‌بازی و تشویق سرمایه‌گذاری‌های مولد در بخش مسکن است. این سیاست‌ها می‌توانند شامل مالیات بر املاک خالی، تشویق به ساخت و ساز مسکن ارزان‌قیمت و تنظیم بازار مسکن باشند اما موثرترین ترین و کم هزینه ترین کار کنترل تورم است زیرا سبب می شود سفته بازان وارد هیچ بخشی نشوند زیرا این قشر به هر حوزه ای وارد شوند بحران ایجاد می کنند.

بحران مسکن در ایران سبب افزایش قیمت‌ها، کاهش قدرت خرید به صورتی که بعضی از دهک‌های جامعه حتی توان اجاره مسکن را ندارند و این موضوع باعث افزایش فقر مسکن شده است،

بحران مسکن باعث شده تا بسیاری از افراد در شرایط نامناسبی زندگی کنند. به عنوان مثال، برخی از خانواده‌ها مجبور به زندگی در واحدهای کوچک، زیرزمین‌ها و یا به صورت اشتراکی و حتی زندگی در چادرها بر روی پشت بام ها شده اند. که تأثیرات منفی بر جامعه و اقتصاد گذاشته. افزایش نابرابری‌های اجتماعی، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و افزایش اعتراضات

اجتماعی از جمله این تأثیرات هستند این در حالی است که کشورهای اروپایی با وجود وسعت کم و جمعیت زیاد توانسته اند با سیاست‌های مناسب افزایش قیمت مسکن را کنترل کنند، در ایران این موضوع به یک بحران تبدیل شده است. در اروپا متوسط قیمت مسکن بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ حدود ۴۷ درصد افزایش یافته است، در حالی که در ایران این افزایش بیش از ۲۰۰۰ درصد بوده است.

بحران مسکن در ایران یکی از چالش‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی است که نیاز به سیاست‌های مناسب و کارآمد برای حل آن دارد. این سیاست‌ها می‌توانند شامل افزایش ساخت و ساز مسکن ارزان قیمت، کنترل سفته‌بازی و سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد و افزایش قدرت خرید مردم باشند.

برای بهبود وضعیت مسکن باید با انبوه‌سازی و ساخت مسکن در ابعاد بزرگ و با استفاده از تکنولوژی‌های نوین به کاهش هزینه‌ها و افزایش عرضه مسکن کمک کرد و با ایجاد و توسعه مناطق جدید مسکونی با زیرساخت‌های مناسب می‌تواند به کاهش تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ کمک کند.

بهبود وضعیت مسکن نیازمند یک رویکرد جامع و هماهنگ است که شامل افزایش ساخت و ساز، کنترل قیمت‌ها، افزایش قدرت خرید مردم با وام‌های مسکن کم بهره، توسعه زیرساخت‌ها و مشارکت بخش خصوصی شامل حمل و نقل عمومی، خدمات عمومی مثل بیمارستان و پارک می‌شود. با

اجرای این راهکارها می‌تواند به ایجاد بازار مسکن پایدار و متعادل کمک کرد.

تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش مسکن از طریق ارائه تسهیلات و مشوق‌های مالی و همکاری با نهادهای دولتی می‌تواند به افزایش عرضه مسکن و کاهش قیمت‌ها کمک کند

همچنین باید مراحل اداری و تسهیل فرآیندهای صدور مجوزهای ساخت و ساز، زمان و هزینه‌های سرمایه‌گذاری را کاهش داد و با تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش مسکن می‌توان مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات جامع را با ایجاد قوانین حمایتی برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی امنیت سرمایه‌گذاری را افزایش داد. اجرای پروژه‌های مشارکتی بین دولت و بخش خصوصی با استفاده از تکنولوژی‌های نوین در کنار پژوهش و توسعه می‌تواند به بهبود وضعیت مسکن و افزایش عرضه آن کمک کرد.

اما متأسفانه تا امروز ما شاهد تصمیم‌گیری‌های اشتباه زیادی بوده ایم که شامل قیمت‌های دستوری، تعیین سقف برای اجاره، امتیاز ویژه به مستاجران برای ماندن در ملک (در دوران کرونا)، این در حال است که دولت و دستگاه‌های حکومتی اشتباهات خود را در تمامی دوره‌ها با فشار بر مردم جبران کرده‌اند و به قول معروف از کیسه خلیفه می‌بخشند، به همین سبب امروز وارد دوران بحران مسکن شده ایم حتی اسار لیندیک اقتصاددان سوئدی در این مورد گفته: برای نابودی یک شهر

به غیر از بمباران آن هیچ راهی موثرتر از مقررات کنترل اجاره نیست . اما هیچ وقت نباید فرصت جویی اهل سیاست را دست کم گرفت آنها دوست دارند اینطور تظاهر کنند که قهرمان نجات بخش مردم عادی هستند.

بحران سه گانه ترافیک ، بزرگراه سازی و حاشیه نشینی

بحران سه گانه ترافیک، بزرگراه سازی و حاشیه نشینی از مهم ترین چالش های مدیریت شهری در کلان شهرها هستند. این بحران ها به دلیل رشد سریع جمعیت و مهاجرت به شهرها به وجود آمده اند. برای درک بهتر به بررسی بهتر این مسائل به صورت جداگانه می پردازیم.

ترافیک یکی از مشکلات اصلی شهرهای بزرگ است که به دلیل افزایش تعداد خودروها و ناکافی بودن زیرساخت های حمل و نقل عمومی به وجود آمده اند. این مشکل باعث افزایش زمان سفر، آلودگی هوا و کاهش کیفیت زندگی شهروندان می شود.

بحران های ترافیک، بزرگراه سازی و حاشیه نشینی به طور مستقیم و غیرمستقیم با یکدیگر مرتبط هستند و هر یک می تواند بر دیگری تأثیر بگذارد.

ترافیک و بزرگراه سازی : افزایش تعداد خودروها و ناکافی بودن زیرساخت های حمل و نقل عمومی باعث افزایش ترافیک شده است و برای کاهش ترافیک، بزرگراه ها و جاده های جدید

ساخته شده است . اما این راه حل موقتی بود و در بلندمدت به افزایش ترافیک منجر شد، زیرا با ساخت بزرگراه‌های جدید افراد به استفاده بیشتر از خودروهای شخصی روی آوردند.

بزرگراه‌سازی و حاشیه‌نشینی : بزرگراه‌ها و جاده‌های جدید که در حاشیه شهرها ساخته شد به توسعه مناطق حاشیه‌نشین منجر شد و بسیاری به دلیل عدم توانایی در تأمین مسکن مناسب به حاشیه شهرها مهاجرت کردند.

ترافیک و حاشیه‌نشینی : حاشیه‌نشینان برای دسترسی به امکانات و خدمات شهری مجبور به سفرهای طولانی به مرکز شهر هستند که این امر باعث افزایش ترافیک شده است
همچنین

افزایش جمعیت در مناطق حاشیه‌ای و عدم وجود زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی مناسب در این مناطق، باعث افزایش استفاده از خودروهای شخصی و در نتیجه افزایش ترافیک که یکی از مشکلات اصلی شهرهای بزرگ است و تأثیرات گسترده‌ای بر زندگی شهری داشته است.

از دلایل اصلی ترافیک می‌توان به افزایش جمعیت و تعداد خودروهای شخصی در شهرها اشاره کرد این افزایش بدون توسعه مناسب زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی منجر به تراکم ترافیک شده است. همچنین به دلیل عدم زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی و برنامه ریزی نامناسب شهری باعث شده

که افراد بیشتر به استفاده از خودروهای شخصی روی بیاورند، مهاجرت از روستاها به شهرها و افزایش جمعیت شهری بدون توسعه مناسب زیرساخت‌ها از دلایل دیگر این بحران هاست.

از تأثیرات ترافیک می‌توان به افزایش زمان سفر، آلودگی هوا، کاهش کیفیت زندگی و افزایش استرس، افزایش هزینه‌های اقتصادی مثل سوخت اشاره کرد.

برای بهبود شرایط باید با برنامه ریزی مناسب برای توسعه شهری و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی مانند مترو، اتوبوس و ... ، استفاده از فناوری‌ها نوین برای مدیریت هوشمند ترافیک و تشویق مردم به استفاده از وسایل نقلیه عمومی به کاهش ترافیک کمک کند

خطاهای مدیریتی که به تشدید و بحران‌های ترافیکی منجر شده

برنامه‌ریزی نامناسب شهری، عدم توجه به رشد جمعیت، تمرکز برای تسهیل حرکت خودروها به صورت ساخت اتوبان‌های عریض و طویل، بی‌توجهی به توسعه حمل و نقل عمومی، کمبود پارکینگ و تبدیل خیابان‌ها به پارکینگ، عدم استفاده از فناوری‌های ترافیکی، عدم هماهنگی بین نهادها، بی‌توجهی به فرهنگ دوچرخه سواری به افزایش ترافیک منجر شده‌اند.

برای کاهش بحران‌های ترافیکی، نیاز به برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ است که شامل توسعه حمل و نقل عمومی، استفاده از فناوری‌های نوین برای مدیریت ترافیک، سیاست‌های مناسب پارکینگ و توجه به زیرساخت‌های پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری باشد. با اجرای این راه‌حل‌ها، می‌توان به کاهش ترافیک و بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک کرد.

بزرگراه‌سازی :

به اشتباه راه‌حلی برای کاهش ترافیک مطرح می‌شود، اما در بسیاری از موارد، این راه‌حل به تنهایی کافی نیست. ساخت بزرگراه‌ها بدون در نظر گرفتن نیازهای حمل و نقل عمومی و پیاده‌روها می‌تواند به افزایش ترافیک و مشکلات زیست‌محیطی منجر شود.

از مهمترین دلایل بزرگراه‌سازی کاهش و بهبود ترافیک است ولی در بلند مدت منجر به افزایش ترافیک می‌شود زیرا مردم را به استفاده از خودروهای شخصی سوق می‌دهد که منجر به مشکلات زیست‌محیطی و آلودگی هوا می‌شوند.

همچنین بزرگراه‌ها باعث افزایش دسترسی به مناطق مختلف شهری و توسعه اقتصادی می‌شوند ولی ساخت و نگهداری بزرگراه‌ها هزینه بالایی دارد و به علت تخریب محله‌های مسکونی و جا به جایی افراد به بحران‌های اجتماعی منجر می‌شوند این خطاهای مدیریتی در گذشته در ایران و دیگر مناطق دیگر جهان رخ داده که منجر به خسارت‌های چند میلیارد

دلاری شده ولی متأسفانه از آن عبرت گرفته نشده است مثل: بزرگراه‌های لس آنجلس در ایالات متحده یکی از نمونه‌های بارز بزرگراه‌سازی است. این شهر دارای شبکه گسترده‌ای از بزرگراه‌ها است که به کاهش ترافیک کمک کرده‌اند، اما در عین حال باعث افزایش استفاده از خودروهای شخصی و آلودگی هوا شده‌اند.

در تهران نیز ساخت بزرگراه‌ها به عنوان راه‌حلی برای کاهش ترافیک مطرح شده است. اما این راه‌حل به تنهایی کافی نبوده و مشکلاتی مانند افزایش ترافیک و آلودگی هوا را به همراه داشته است.

حاشیه‌نشینی : افراد به دلیل عدم توانایی در تأمین مسکن مناسب در مناطق مرکزی شهر، به حاشیه شهرها مهاجرت می‌کنند. این مناطق معمولاً در نزدیکی بزرگراه‌ها و جاده‌های جدید قرار دارند که دسترسی به آن‌ها را آسان‌تر می‌کند ولی به امکانات شهری دسترسی ندارند.

خطاهای مدیریتی ، مدیران رانتي به بحران‌های بزرگراه‌سازی منجر شده اند و مشکلات متعددی را برای شهرها و ساکنان آن‌ها ایجاد کرده اند که بر اثر عدم توجه به نیازهای واقعی و فقط به قصد رشد مناطق مورد نظرشان برای برایشان نفع

اقتصادی دارد و بدون در نظر گرفتن نیازهای واقعی و تحلیل دقیق ترافیک انجام گرفته اند.

بزرگراه سازی هایی که با عدم هماهنگی با سایر زیرساخت ها مانند حمل و نقل عمومی و پیاده روها، تمرکز بر راه حل های کوتاه مدت، عدم توجه به توسعه پایدار و تمرکز بر ساخت بزرگراه ها به جای توسعه حمل و نقل عمومی و زیرساخت های پایدار، مدیران نا کارآمد، افزایش هزینه ها و مشکلات ترافیکی منجر شده اند همچنین عدم مشارکت جامعه و مشاوره عمومی در فرآیند برنامه ریزی و اجرای پروژه های بزرگراه سازی باعث شده که نیازها و نگرانی های ساکنان نادیده گرفته شود و نبود شفافیت در فرآیند تصمیم گیری و اجرای پروژه ها باعث بی اعتمادی عمومی و افزایش مقاومت در برابر پروژه ها گردیده این موضوع به نارضایتی عمومی و مشکلات اجتماعی منجر شده اند ضمن اینکه نباید تأثیرات زیست محیطی را هم نادیده گرفت، بسیاری از پروژه های بزرگراه سازی بدون در نظر گرفتن تأثیرات زیست محیطی انجام می شوند، که این موضوع به تخریب محیط زیست، افزایش آلودگی هوا و کاهش کیفیت زندگی ساکنان منجر شود.

پروژه بزرگراه Big Dig در بوستون، ایالات متحده

پروژه Big Dig در بوستون یکی از بزرگ ترین و پرهزینه ترین پروژه های بزرگراه سازی در تاریخ ایالات متحده بود. این پروژه با مشکلات متعددی از جمله تاخیرهای طولانی، افزایش هزینه ها و مشکلات زیست محیطی مواجه شد. مدیریت

ناکارآمد و برنامه‌ریزی نامناسب از جمله دلایل اصلی این مشکلات بودند.

در تهران نیز، بسیاری از پروژه‌های بزرگراه‌سازی بدون در نظر گرفتن نیازهای واقعی و تحلیل دقیق ترافیک انجام شده‌اند. این موضوع باعث شده که بزرگراه‌ها نتوانند نیازهای ترافیکی را برآورده کنند و مشکلات جدیدی ایجاد کنند. همچنین، عدم هماهنگی با سایر زیرساخت‌های شهری و تمرکز بر راه‌حل‌های کوتاه‌مدت از جمله مشکلات مدیریتی در این پروژه‌ها بوده است.

برای جلوگیری از بحران‌های بزرگراه‌سازی، نیاز به برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ، مدیریت کارآمد پروژه‌ها، مشارکت جامعه و توجه به تأثیرات زیست‌محیطی است. با اجرای این راه‌حل‌ها، می‌توان به کاهش مشکلات ترافیکی و بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک کرد.

حاشیه‌نشینی

بسیاری از مردم به دلیل نبود فرصت‌های شغلی و امکانات مناسب در روستاها به شهرها مهاجرت می‌کنند. این مهاجرت‌ها باعث افزایش جمعیت شهری و ایجاد مناطق حاشیه‌نشین شده است.

که به دلیل درآمد پایین و هزینه‌های بالای مسکن در مناطق مرکزی شهر، توانایی تأمین مسکن مناسب را ندارند و به مناطق حاشیه‌ای و غیررسمی روی آورده اند، که به دلیل عدم برنامه‌ریزی مناسب برای توسعه شهری و تأمین مسکن برای جمعیت رو به افزایش، باعث ایجاد مناطق حاشیه‌نشین شده است. فقر و بیکاری از عوامل اصلی حاشیه‌نشینی هستند. افراد فقیر و بیکار به دلیل نداشتن منابع مالی کافی، به مناطق حاشیه‌ای و غیررسمی مهاجرت می‌کنند.

مهاجرت بی رویه و حاشیه‌نشینی به دلیل عدم امکانات و خدمات مناسب، به افزایش جرم و جنایت منجر شده همچنین نبود امکانات بهداشتی، آموزشی و خدمات شهری در این مناطق باعث کاهش کیفیت زندگی ساکنان این مناطق و در پی آن ایجاد مشکلات اجتماعی مانند بیکاری، فقر و نابرابری شده است که در کنار این مشکلات معضل‌های زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا و آب را نباید نادیده گرفت.

ایجاد و توسعه مسکن اجتماعی برای افراد کم‌درآمد و برنامه‌ریزی مناسب برای توسعه شهری می‌تواند به کاهش حاشیه‌نشینی کمک کند و با ارائه خدمات و امکانات مناسب به مناطق حاشیه‌نشین به بهبود کیفیت زندگی ساکنان این مناطق کمک کرد، ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی و شهری می‌تواند به کاهش مهاجرت به شهرها و در نتیجه کاهش حاشیه‌نشینی کمک کند.

یکی از نمونه‌های بارز حاشیه‌نشینی در تهران، منطقه "اسلام‌شهر" است. این منطقه به دلیل مهاجرت‌های گسترده از روستاها و نبود مسکن مناسب در مناطق مرکزی شهر، به یکی از مناطق حاشیه‌نشین تهران تبدیل شده است. اسلام‌شهر با مشکلاتی مانند نبود امکانات بهداشتی و آموزشی، افزایش جرم و جنایت و آلودگی محیط زیست مواجه است.

یکی از بزرگ‌ترین مناطق حاشیه‌نشین در جهان است که در بمبئی، هند واقع شده است. این منطقه با جمعیتی بالغ بر یک میلیون نفر، به دلیل تراکم جمعیت بالا و شرایط زندگی نامناسب شناخته می‌شود.

ساکنان داراوی در خانه‌های کوچک و غیررسمی زندگی می‌کنند که اغلب فاقد امکانات بهداشتی و آب آشامیدنی سالم هستند، بسیاری از ساکنان در مشاغل غیررسمی مانند بازیافت زباله، تولیدات دستی و کارگاه‌های کوچک مشغول به کار هستند، نبود امکانات بهداشتی مناسب و تراکم جمعیت بالا باعث شیوع بیماری‌های مختلف در این منطقه شده است.

کیبرا، نایروبی، کنیا: بزرگ‌ترین منطقه حاشیه‌نشین در نایروبی، کنیا است و یکی از بزرگ‌ترین مناطق حاشیه‌نشین در آفریقا به شمار می‌رود که در خانه‌های کوچک و غیررسمی زندگی می‌کنند که اغلب از مواد بازیافتی ساخته شده‌اند که دسترسی به آب آشامیدنی سالم و امکانات بهداشتی در این منطقه بسیار محدود است، بسیاری از کودکان در کیبرا به دلیل فقر و نیاز به کار، از تحصیل محروم هستند.

فاولاس، ریودوژانیرو، برزیل : ساکنان فاولاس در خانه‌های غیررسمی و پرتراکم زندگی می‌کنند که اغلب فاقد امکانات بهداشتی و زیرساخت‌های مناسب هستند که به دلیل نبود امکانات و خدمات مناسب، با مشکلات جرم و جنایت مواجه هستند.

بسیاری از ساکنان در مشاغل غیررسمی و کم‌درآمد مشغول به کار هستند.

حاشیه‌نشینی به عنوان یک پدیده جهانی، تأثیرات گسترده‌ای بر زندگی روزمره ساکنان این مناطق دارد. شرایط زندگی نامناسب، نبود امکانات بهداشتی و آموزشی، و مشکلات اجتماعی و اقتصادی از جمله چالش‌های اصلی این مناطق هستند. برای حل این مشکلات، نیاز به برنامه‌ریزی شهری مناسب، توسعه مسکن اجتماعی و افزایش فرصت‌های شغلی است.

برای کاهش بحران حاشیه‌نشینی، نیاز به برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ، توسعه زیرساخت‌های اساسی، سیاست‌های اقتصادی مناسب و مشارکت جامعه است. با اجرای این راه‌حل‌ها، می‌توان به کاهش مشکلات حاشیه‌نشینی و بهبود کیفیت زندگی ساکنان این مناطق کمک کرد.

این سه بحران به صورت یک چرخه معیوب عمل می‌کنند که هر یک می‌تواند دیگری را تشدید کند. برای حل این مشکلات، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ است که شامل بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی، برنامه‌ریزی مناسب برای توسعه شهری و ارائه خدمات و امکانات به مناطق حاشیه‌نشین باشد.

بحران‌های ترافیک، بزرگراه‌سازی و حاشیه‌نشینی به عنوان سه چالش عمده در مدیریت شهری، به طور مستقیم و غیرمستقیم با یکدیگر مرتبط هستند و هر یک می‌تواند بر دیگری تأثیر بگذارد. این بحران‌ها به دلیل رشد سریع جمعیت و مهاجرت به شهرها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به وجود آمده‌اند و نیازمند رویکردهای جامع و هماهنگ برای حل و فصل هستند.

برای مثال، افزایش ترافیک باعث نیاز به ساخت بزرگراه‌های جدید می‌شود، اما این بزرگراه‌ها می‌توانند به توسعه مناطق حاشیه‌نشین منجر شوند. همچنین، حاشیه‌نشینی برای دسترسی به امکانات و خدمات شهری مجبور به سفرهای طولانی به مرکز شهر هستند که این امر باعث افزایش ترافیک می‌شود.

برای کاهش بحران حاشیه‌نشینی در تهران، نیاز به برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ، توسعه زیرساخت‌های اساسی، سیاست‌های

اقتصادی مناسب و مشارکت جامعه است. با اجرای این راه‌حل‌ها، می‌توان به کاهش مشکلات حاشیه‌نشینی و بهبود کیفیت زندگی ساکنان این مناطق کمک کرد.

خطاهای مدیریتی در بانک‌ها

خطاهای مدیریتی در بانک‌های به دلایل مختلفی رخ می‌دهد که منجر به بحران شده است، این خطاها شامل ضعف در نظام کنترل‌های داخلی که به عدم شفافیت و پاسخگویی مناسب است که یکی از مشکلات اساسی در بانک‌های ایران است که می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر عملکرد و سلامت مالی این بانک‌ها داشته باشد. این ضعف‌ها معمولاً به دلایل: عدم شفافیت در فرآیندها که منجر به سوءاستفاده‌های مالی و فساد شده است، بسیاری از بانک‌ها با کمبود نیروی انسانی متخصص در زمینه‌های مختلف مالی و مدیریتی مواجه هستند و عدم سیستم‌های اطلاعاتی نوین منجر به اشتباهات مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های نادرست شده، همچنین بسیاری از بانک‌های ایران هنوز با استانداردهای بین‌المللی در زمینه کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک تطابق ندارند. این عدم تطابق منجر به افزایش ریسک‌های مالی و عملیاتی شده، نظارت ناکافی و عدم وجود سیستم‌های مناسب برای ارزیابی عملکرد کارکنان و فرآیندها که منجر به کاهش کارایی و افزایش خطاهای مدیریتی شده نیز بر این مشکلات افزوده است، این ضعف‌ها به کاهش

اعتماد عمومی به نظام بانکی و افزایش احتمال بحران‌های مالی منجر شده‌اند.

بانک‌ها با انواع ریسک‌ها مواجه هستند که مدیریت نادرست این ریسک‌ها منجر به مشکلات جدی شده است. این ریسک‌ها شامل ریسک اعتباری: که باعث می‌شود وام‌گیرندگان قادر به بازپرداخت وام‌های خود نباشند. برای مدیریت این ریسک، بانک‌ها باید فرآیندهای ارزیابی اعتباری دقیق و سیستم‌های نظارتی قوی داشته باشند، ریسک بازار: که ناشی از تغییرات در بازارهای مالی است که بر ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های بانک تأثیر می‌گذارد برای مدیریت این ریسک، بانک‌ها باید از ابزارهای مالی مانند مشتقات استفاده کنند و استراتژی‌های پوشش ریسک مناسبی داشته باشند، ریسک نقدینگی: زمانی رخ می‌دهد که بانک قادر به تأمین نقدینگی لازم برای انجام تعهدات خود نباشد. مدیریت این ریسک شامل نگهداری ذخایر نقدی کافی و دسترسی به منابع مالی اضطراری است. ریسک عملیاتی: که ناشی از نقص‌ها و اشتباهات در فرآیندهای داخلی، سیستم‌ها و نیروی انسانی است. برای مدیریت این ریسک، بانک‌ها باید سیستم‌های کنترل داخلی قوی و برنامه‌های آموزشی مناسب برای کارکنان خود داشته باشند.

ریسک قانونی و تطبیقی: ناشی از عدم تطابق با قوانین و مقررات مربوط به صنعت بانکی است که برای مدیریت آن، بانک‌ها باید از مشاوران حقوقی و تیم‌های تطبیق قوی استفاده کنند و به‌روز با تغییرات قانونی باشند. مدیریت صحیح این ریسک‌ها می‌تواند

به بهبود عملکرد بانک‌ها و کاهش احتمال وقوع بحران‌های مالی کمک کند. همچنین

حاکمیت شرکتی ضعیف منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست و ناکارآمدی در مدیریت بانک‌ها شده است، که شامل مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، و فرآیندهایی اطلاق می‌شود که به مدیریت و کنترل بانک‌ها کمک می‌کند. ضعف در این حوزه می‌تواند به دلایل زیر رخ دهد:

عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها که منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست و ناکارآمدی در مدیریت بانک‌ها شده، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران که به تصمیم‌گیری‌هایی منجر می‌شود که به نفع مدیران و به ضرر سهامداران و مشتریان بانک باشد. این مسئله می‌تواند اعتماد عمومی به بانک‌ها را کاهش دهد،

نظارت ناکافی بر عملکرد مدیران که منجر به سوءاستفاده‌های مالی و فساد شود، عدم تطابق با استانداردهای بین‌المللی و کاهش کارایی که به ریسک مالی منجر می‌شود و کمبود نیروی انسانی متخصص مدیریتی و مالی که منجر به اشتباهات مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های نادرست شود.

بهبود حاکمیت شرکتی می‌تواند به افزایش شفافیت، کاهش ریسک‌های مالی و عملیاتی، و افزایش اعتماد عمومی به نظام بانکی منجر شود.

این مشکلات به کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی و افزایش احتمال بحران‌های مالی منجر شده.

بانک‌ها می‌توانند نقش مهمی در فسادهای مالی داشته باشند. برخی از مهم‌ترین نقش‌ها و عوامل تأثیرگذار بانک‌ها در فسادهای مالی عبارتند از:

تسهیلات غیرقانونی، نظارت ناکافی که منجر به سوءاستفاده‌های مالی و فساد در بانک‌ها شده،

تضاد منافع بین مدیران بانک‌ها و مشتریان که به نفع مدیران و به ضرر مشتریان و سهامداران است،

رانت و فساد در مدیریت برای کسب منافع شخصی و سوءاستفاده از منابع بانکی، بهبود نظارت و حاکمیت شرکتی، افزایش شفافیت در فرآیندهای بانکی و تقویت سیستم‌های کنترل داخلی که به کاهش فسادهای مالی در بانک‌ها کمک کند.

روش‌های متعددی در بانک‌های کشور وجود دارد که موجب دور زدن مقررات بانکی، افزایش سود موثر تسهیلات، خلق پول و عدم اجرای صحیح قانون بانکداری بدون ربا شده است که شامل:

الزام به سپرده‌گذاری جهت اعطای تسهیلات، انحراف از نرخ سود مصوب، مسدودسازی بخشی از تسهیلات، مسدودسازی سپرده‌ها تا پایان تسهیلات، تغییر ماهیت سپرده‌های مشتری بدون توافق، اخذ وکالت ضمن عقد رهن، اخذ وثیقه خارج از محل اجرای طرح یا خارج از موضوع مشارکت، عقد بیع شرط به جای عقد رهن، امهال از طریق عقود صوری و غیر واقعی،

طلب بیش از نیاز ضامن در زمان اعطای تسهیلات و یا حتی در نحوه دریافت کارمزد از مشتریان بابت جا به جایی پول.

همچنین بانک‌ها نقش مهمی در ایجاد و افزایش تورم دارند. برخی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بانک‌ها در تورم عبارتند از: خلق پول با اعطای وام و تسهیلات، نرخ بهره پایین که منجر به افزایش وام‌گیری و افزایش نقدینگی در اقتصاد شود، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های غیرمولد به جای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تولیدی، نظارت ناکافی بر بانک‌ها که منجر به سوءاستفاده‌های مالی و افزایش نقدینگی بی‌رویه می‌شود.

که باعث می‌شود افراد و شرکت‌ها در انتظار افزایش قیمت‌ها در آینده باشد، ممکن است تصمیم بگیرند که خریدهای خود را جلو بیندازند تا از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کنند. این افزایش تقاضا می‌تواند به افزایش قیمت‌ها و تورم منجر شود.

اگر کارگران و اتحادیه‌های کارگری انتظار داشته باشند که تورم افزایش یابد، درخواست افزایش دستمزد می‌کنند تا قدرت خرید خود را حفظ کنند. افزایش دستمزدها می‌تواند هزینه‌های تولید را افزایش داده و به تورم دامن بزند.

بانک‌ها و مؤسسات مالی نیز نرخ بهره را بر اساس انتظارات تورمی تنظیم می‌کنند تا از کاهش ارزش پول جلوگیری کنند. این افزایش نرخ بهره هزینه‌های وام‌گیری را افزایش می‌دهد و بر تقاضا تأثیر می‌گذارد.

بانک مرکزی نیز سیاست‌های پولی خود را بر اساس انتظارات تورمی تنظیم می‌کند. اگر بانک مرکزی انتظار داشته باشد که تورم افزایش یابد، نرخ بهره را افزایش داده یا نقدینگی را کاهش دهد تا تورم را کنترل کند.

انتظارات تورمی که منجر به کاهش ماندگاری سپرده‌ها در بانک‌ها و افزایش نیاز به نقدینگی می‌شود،

بهبود نظارت بر فعالیت‌های بانکی، تنظیم نرخ بهره مناسب و هدایت نقدینگی به سمت بخش‌های مولد اقتصادی می‌تواند به کاهش تورم کمک کند.

انتظارات تورمی می‌تواند به یک چرخه خودتقویت‌کننده منجر شود که در آن انتظارات افزایش تورم به افزایش واقعی تورم منجر می‌شود.

سرمایه‌گذاری بانک‌ها در دارایی‌های غیرمولد سبب تأثیرات منفی زیادی بر اقتصاد و تورم شده که افزایش قیمت دارایی‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد، افزایش نابرابری اقتصادی، افزایش ریسک‌های مالی، کاهش نقدینگی در بازار از آن جمله‌اند.

گذشته از خطاهای مدیریتی با سوء استفاده از بانک‌ها نیز مواجه ایم، طوری که بانکداری به صنعتی

پور سود تبدیل شده زیرا سوء مدیریت و خلا قانون باعث شده صاحبان بانک‌ها صاحب سودهای کلان شوند و زیانشان با

ایجاد تورم به مردم تھی دست جامعه برسد، خلق پول توسط بانک‌ها باعث ناترازی در سیستم بانکی شده است، علت به وجود آمدن وضع موجود ورود سرمایه داران به صنعت بانکداری است و با جمع آوری پول مردم و خلق پول اقدام به واردات یا تزریق پول‌ها به بنگاه‌های خودشان است و در بسیاری از مواقع پول‌هایی را که در قالب وام به مجموعه‌های خود تزریق می‌کنند برگردانده نمی‌شود، و اشتباه بزرگتر اینکه دولت برای پوشاندن این خطاها به جای برخورد با سرمایه داران و ایجاد قولنین نظارتی با ایجاد پایه پولی و ایجاد تورم و بی ارزش کردن سرمایه‌های مردم مخصوصاً قشر تھی دست بر این خطاها سرپوش می‌گذارد تا پولهایی که توسط سرمایه داران بلعیده شده به مردم بازگرداند.

خطای دیگر مدیران در بانک‌ها تامین مالی شرکت‌های وابسته به بانک خودشان است که متأسفانه این پول‌ها به زیرساخت‌ها هم تزریق نمی‌شوند بلکه تبدیل به سرمایه در گردش می‌شوند که در اصل می‌توان گفت با این فرمول بانک‌ها با دور زدن قانون عملاً تبدیل به دلال‌هایی بزرگ شده‌اند.

البته نباید از سوء استفاده دولت از بانک مرکزی و دولتی را نادیده گرفت که به منبعی برای تامین کسری بودجه دولت تبدیل شده‌اند در حالی که وظیفه بانک‌ها تامین مالی کسب و کارهاست .

بحث ناترازی بانکها در محافل اقتصادی و عمومی سالهاست داغ است. هر از چندی با احتمال ورشکستگی یک بانک، نوعی

از هجوم موقت سپرده گذاران شکل می گیرد و البته هر بار هم ظاهراً اتفاقی نمی افتد زیرا با دخالت دولت از جیب مردم ، بانک ها نجات پیدا می کنند. بحران بانکی زمانی رخ می دهد که یک عدم تقارن بزرگ بین دارایی ها (عمدتاً وام) و بدهی ها (عمدتاً سپرده ها) در ترازنامه بانک وجود دارد و هجوم ناگهانی سپرده گذاران منجر به عدم توان پرداخت به موقع تعهدات می شود.

نگاهی به ترازنامه بانکهای ایرانی حاکی از آن است که در سمت دارایی ها ، انبوهی از مطالبات غیر قابل وصول و یا سرمایه گذاریهای مستقیم با نقدشوندگی ضعیف وجود دارد و در سمت بدهی نیز سپرده های خرد با سررسید کوتاه مدت ؛ عدم توازن بازدهی دو طرف ترازنامه و عدم تقارن زمانی بین سررسید داراییها و بدهی ها منجر به ورشکستگی بانک ها می شود. بانک های ناتراز تمام شرایط ورشکستگی مثل: باز بودن جریان سرمایه خارجی (ارزی) است که تمایل زیادی به جابجایی سریع به ویژه در شرایط بروز ریسک ناترازی در شبکه بانکی دارد. دومین شرط هم عبارت از تضعیف اعتبار نهاد ناظر (بانک مرکزی) نزد سپرده گذاران را دارا است.

در ایران خلاف هر دو شرط برقرار است اما چطور بانک ها در ایران نجات پیدا می کنند؛ به دلیل بسته بودن سیستم بانکی ، بانکهای ناتراز قادر به تامین کسری از محل مازاد بانکهای دیگر هستند ، نهاد بانک مرکزی هم به شدت نسبت به بروز هرگونه نشانه در خصوص عدم ایفای تعهدات بانکها حساس است و

یکی از این تناقضات در زمان گذشته که منجر به عقب ماندگی فرهنگی و علمی غیر قابل جبران کشور حتی بعد از گذشت چند قرن شده مربوط به **دستگاه چاپ** می شود که مقامات فرهنگی و مذهبی به دلیل نگرانی از تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از این فناوری‌ها و آگاهی و به خطر افتادن جایگاهشان در برابر ورود آن مقاومت کردند، تا اینکه اولین دستگاه چاپ در ایران توسط خاچاطور کساراتسی، خلیفه وقت ارمنی‌های جلفای اصفهان، در سال ۱۰۱۷ هجری ششمی وارد شد. این دستگاه به منظور چاپ کتاب‌های دینی و آموزشی برای جامعه ارمنی‌های ایران استفاده می‌شد اما حتی بعد از ورود دستگاه چاپ هم اصلی ترین بخش جامعه از مزایای آن محروم ماند.

یا در برهه ای دیگر **ورود دیرهنگام راه آهن**، باعث شد ایران را از غافله علم و تکنولوژی جا بماند که این بار علاوه بر مقاومت داخلی مسئولان از ترس تغییرات اجتماعی و اقتصادی موانع سیاسی و رقابت‌های بین‌المللی بین قدرت‌های بزرگ در دوران قاجار مانند روسیه و انگلیس مضیق بر علت شد تا هر کدام از این کشورها تلاش کنند تا نفوذ خود را در ایران افزایش دهند. این رقابت‌ها منجر به کارشکنی‌ها و تأخیر در اجرای پروژه‌های زیرساختی مانند راه آهن شد، نبود منابع مالی و فنی و هزینه‌های بالای ساخت و نگهداری راه آهن و همچنین کمبود نیروی کار ماهر و تجهیزات فنی، از جمله موانع اصلی بودند.

همچنین پادشاهان اولویت‌های دیگری مانند حفظ امنیت و ثبات سیاسی، بر توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل ترجیح می‌دانند.

در این زمان هم می‌توان به موضوع غفلت از فضای مجازی و اینترنت اشاره کرد، در حالی که برخی نهادها و مسئولان بر محدودیت و فیلترینگ شدید اینترنت تأکید دارند، برخی دیگر از مسئولان و نهادها که غالباً خصوصی هستند بر اهمیت دسترسی آزاد به اطلاعات و توسعه فناوری‌های دیجیتال تأکید می‌کنند. در برهه ای، نهادهای مسئول تصمیم به فیلتر کردن شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های مختلف گرفتند تا از انتشار محتوای نامناسب جلوگیری کنند. از سوی دیگر، برخی مسئولان و کارشناسان معتقد بودند که محدودیت‌های شدید به کاهش نوآوری و توسعه اقتصادی منجر شده و بر اهمیت آموزش و فرهنگ‌سازی در استفاده صحیح از فضای مجازی تأکید می‌کنند، از سوی دیگر به دلیل وجود تحریم‌ها، جامعه از بخشی از اینترنت نیز محروم شده است.

این تناقض‌ها به سردرگمی کاربران و نارضایتی عمومی منجر شده و نشان‌دهنده‌ی عدم هماهنگی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و فناوری است.

تقابل سنت و مدرنیته در برخی شهرها منجر به تقابل بین سنت و مدرنیته شده که به چالش‌های هویت فرهنگی منجر شده است. عدم تعامل مثبت بین مهاجران و جامعه میزبان به جداسازی هویتی و قطب‌بندی اجتماعی منجر شده، اصفهان

به عنوان یکی از شهرهای تاریخی و فرهنگی، با چالش‌های زیادی در زمینه حفظ هویت فرهنگی خود در برابر تغییرات مدرن مواجه است، بسیاری از بناهای تاریخی و فرهنگی که نمادهای مهمی از هویت فرهنگی این شهر هستند. اما با توسعه شهری و ساخت و سازهای جدید، برخی از این بناها تخریب شدند برای مثال، ساخت و سازهای میدان نقش جهان، باعث نگرانی‌هایی در مورد حفظ این میراث فرهنگی شده است.

این تقابل بین حفظ سنت‌ها و نیاز به توسعه مدرن، می‌تواند به چالش‌های هویتی و اجتماعی منجر شود. برخی از ساکنان نسل گذشته احساس می‌کنند که هویت فرهنگی شهرشان در حال از دست رفتن است، در حالی که نسل جدید از تغییرات و توسعه‌های جدید استقبال می‌کنند.

این مثال نشان می‌دهد که چگونه تقابل بین سنت و مدرنیته می‌تواند به چالش‌های فرهنگی و اجتماعی منجر می‌شود.

نفوذ فرهنگی و مدیریت ناکارآمد نهاد خانواده را هدف قرار داده که این مسئله از مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی کشور در زمان حاضر است.

یک مثال از نفوذ فرهنگی و مدیریت ناکارآمد در ایران می‌تواند به رواج فرهنگ مصرف‌گرایی اشاره کند. با گسترش رسانه‌های اجتماعی و تبلیغات، فرهنگ مصرف‌گرایی به شدت در جامعه ایرانی نفوذ کرده است. این مسئله به تغییرات منفی در ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی و خانواده منجر شده است.

تبلیغات گسترده محصولات لوکس و برندهای خارجی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، باعث شده است که بسیاری از افراد به دنبال خرید و مصرف این محصولات باشند، حتی اگر توان مالی کافی برای آن نداشته باشند. این مسئله به افزایش بدهی‌های خانوارها و کاهش پس‌انداز منجر شده است.

از سوی دیگر، مدیریت ناکارآمد فرهنگی می‌تواند به عدم ترویج ارزش‌های مثبت و فرهنگی منجر شود. به جای ترویج فرهنگ صرفه‌جویی و استفاده بهینه از منابع، تبلیغات و رسانه‌ها بیشتر به ترویج مصرف‌گرایی و خرید محصولات جدید می‌پردازند.

این مثال‌ها نشان می‌دهند که چگونه خطاهای مدیریت فرهنگی می‌توانند به مشکلات جدی در جامعه منجر شوند.

خطاهای مدیریت در فرهنگ سازمانی تأثیرات گسترده‌ای بر عملکرد و نوآوری سازمان‌ها داشته و حتی با نادیده گرفتن خطاها و یا اصرار بر خطاها باعث بحران‌های فرهنگی شده‌اند
مثل :

عدم پذیرش خطاها توسط سازمان‌ها و اصرار بر ادامه خطا یا با توجیه مانع از یادگیری و بهبود فرآیندها می‌شوند، عدم استفاده از دانش و درس گرفتن از خطاها و عدم توجه به بازخورد جامعه یا سازمان،

برای بهبود فرهنگ مدیریت خطا، سازمان‌ها باید فضایی ایجاد کنند که در آن خطاها به عنوان فرصت‌های یادگیری دیده

شوند و کارکنان تشویق به تسهیم دانش و بازخورد شوند، در ادامه به شرح تعدادی از این خطاها می پردازیم:

استفاده از نسخه های فیک و بی معنای غربی در فرهنگ بدون فهم مسئله، مثل خواندن بیانیه توسط دختر افغان که به جای یک کارگردان به روی سن جشنواره فجر آمد یک کپی مبتذل و بی ربط از خواندن بیانیه توسط دختر سرخ پوست درباره تضییع حقوقشان در آمریکا بود که به جای مارلون براندو به روی سن اسکار رفت، در حالی که آمریکا سرزمین سرخ پوستان بود که به تسط سفید پوستان درآمد ولی ایران سرزمینی ست که در حال به تسلط در آمدن توسط افغان هاست ولی این پایان ماجرا نیست و دستگاه های بزرگی همچون صدا و سیما که یکی از اصلی ترین متولیان فرهنگی کشور است هم با ساخت سریال ها و برنامه هایی در حال ساختن هویت برای این اتباع در ایران است و در حالی که این قشر باعث نا امنی های فراوان در کشور شده اند و باعث خدشه وارد شدن به فرهنگ ایران شده اند ولی متاسفانه تلویزیون حقایق را وارونه جلوه می دهد و با عدم توجه به نیازهای مخاطبان و، کیفیت پایین محتوا و مقاومت در برابر تغییرات که آسیب های جدی خود را در آینده ای نزدیک نشان خواهد داد ولی، یا با ساخت فیلم های ضد جنگ به تقلید از غرب توسط کارگردانان و مدیران فرهنگی، بدون اینکه درک درستی از جامعه داشته باشند، فیلم های ضد جنگ در غرب با هدف انتقاد و جلوگیری از تکرار این خطاها توسط کارگردانان ساخته می شود و این در حالی است که غرب همیشه متجاوز بوده اما در ایران مورد تجاوز قرار گرفته شد با این حال

باز هم بخش های مهمی از جنگ قابل نقد است ولی متاسفانه متولین فرهنگی دقیقا به سراغ بخش می روند که اصلا ارتباطی ندارد و صرفا یک کپی فیک از فیلم های غربی ست و متاسفانه این کپی های مبتذل به بخش هایی همچون مبارزه با مواد مخدر یا گروگانگیری نیز کشیده است این در حالی است که شکل و عملکرد کارتل های مواد مخدر در ایران و غرب کاملا متفاوت و حتی نوع ایرانی آن کاملا مخوف تر است اما به دلیل ضعف فرهنگی و وجود رانت در تمامی بخش ها به کپی های بی معنی روی آورده ایم.

خطاهای مدیریتی در صنعت نفت

صنعت نفت ایران، به عنوان یکی از بزرگترین منابع درآمد و تامین کننده بودجه کشور، دچار خطاهای مدیریتی متعددی شده است. این خطاها باعث کاهش بهره‌وری، تأخیر در پروژه‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی بزرگی برای کشور شده‌اند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین خطاهای مدیریتی در صنعت نفت ایران ::

یکی از مشکلات مدیریتی در صنعت نفت ایران، عدم توجه کافی به نوسازی و ارتقاء فناوری‌های مورد استفاده در استخراج و تولید نفت و گاز است. این عدم توجه منجر به کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه‌های تولید شده است که نمونه بارز آن میدان نفتی آزادگان است که توسعه این میدان یکی از

بزرگترین پروژه‌های نفتی ایران است. در دهه‌های گذشته، به دلیل کمبود فناوری پیشرفته و مدیریت نادرست، استخراج نفت از این میدان به کندی و مشکلات زیادی همراه بوده است. شرکت‌های خارجی نظیر CNPC چین نیز که در توسعه این میدان مشارکت داشتند، به دلیل سوءمدیریت و نبود همکاری مناسب، با تأخیرات و کاهش سرعت توسعه مواجه شدند. عدم به‌کارگیری فناوری‌های نوین و ناکارآمدی در مدیریت پروژه باعث شده که تولید نفت این میدان بسیار کمتر از پتانسیل واقعی آن باشد.

همچنین خروج شرکت‌های خارجی و کاهش سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی به دلیل تحریم‌های بین‌المللی و همچنین مدیریت ضعیف در قراردادهای نفتی به شدت بر توسعه میادین نفت و گاز تأثیر منفی گذاشته است.

پروژه توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی شرکت توتال فرانسه در ابتدا برای توسعه این فاز مهم از میدان گازی پارس جنوبی با ایران قراردادی امضا کرد. اما به دلیل مدیریت نادرست در مواجهه با تحریم‌ها و نبود یک استراتژی مناسب برای جذب و حفظ سرمایه‌گذاری‌های خارجی، توتال در سال ۲۰۱۸ از این پروژه خارج شد. این خروج باعث شد که پروژه با تأخیرات طولانی مواجه شود و همچنان بهره‌برداری کامل از این فاز به تأخیر بیافتد. نبود برنامه جایگزین مناسب برای ادامه پروژه پس از خروج توتال نیز به عنوان یکی از ضعف‌های مدیریتی مطرح است.

نبود برنامه‌ریزی استراتژیک برای توسعه میادین مشترک

ایران با چندین کشور مانند عراق، قطر و عربستان میادین نفت و گاز مشترک دارد. اما به دلیل نبود برنامه‌ریزی استراتژیک و مدیریت ناکارآمد، این کشورها در بهره‌برداری از این میادین از ایران پیشی گرفته‌اند.

میدان گازی پارس جنوبی بین ایران و قطر مشترک است. قطر با مدیریت کارآمد و استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته، توانسته است استخراج بیشتری نسبت به ایران از این میدان انجام دهد. ایران به دلیل تأخیرات مکرر در توسعه فازهای مختلف این میدان، نتوانسته است از پتانسیل کامل آن بهره‌برداری کند. اختلاف در میزان استخراج از این میدان باعث شده که قطر در بازارهای جهانی گاز دست بالاتری نسبت به ایران داشته باشد.

نبود شفافیت در قراردادهای و فساد مالی

فساد مالی و نبود شفافیت در قراردادهای نفتی از دیگر مشکلات بزرگ مدیریتی در صنعت نفت ایران است. این مشکلات باعث شده‌اند که قراردادهای بزرگ به درستی اجرا نشوند یا با تأخیرات و افزایش هزینه‌های غیرضروری مواجه شوند.

قراردادهای IPC قراردادهای جدید نفتی ایران این قراردادهای با هدف جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی طراحی شدند، اما به دلیل نبود شفافیت کافی و اختلافات در نحوه تنظیم و اجرای این قراردادهای، بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی از مشارکت در

این پروژه‌ها صرف نظر کردند. مشکلات مدیریتی در زمینه تنظیم شرایط قراردادها و عدم توافق مناسب بین طرفین باعث شد که برخی پروژه‌ها حتی در مراحل اولیه متوقف شوند یا با مشکلاتی جدی مواجه گردند.

عدم بهره‌وری و هدررفت منابع طبیعی

مدیریت نادرست و فقدان استراتژی‌های بهره‌وری در استفاده از منابع طبیعی باعث هدررفت بسیاری از ذخایر نفت و گاز شده است. این مسئله به خصوص در میادین قدیمی نفتی به وضوح مشاهده می‌شود.

میدان نفتی اهواز یکی از بزرگترین میادین نفتی ایران است، اما به دلیل استفاده از روش‌های قدیمی استخراج و عدم نوسازی تجهیزات، بازدهی آن به شدت کاهش یافته است. هدررفت نفت و کاهش فشار چاه‌ها از جمله مشکلات اصلی این میدان بوده است. به دلیل مدیریت ضعیف و استفاده از فناوری‌های قدیمی، میزان برداشت از این میدان به طور قابل توجهی کمتر از پتانسیل واقعی آن است.

تاخیرات طولانی در پروژه‌های توسعه میادین نفتی

یکی دیگر از مشکلات مدیریتی در صنعت نفت ایران، تأخیرات طولانی مدت در اجرای پروژه‌های توسعه میادین نفتی است. این تأخیرات باعث افزایش هزینه‌ها و کاهش بازدهی پروژه‌ها شده است.

پروژه‌های توسعه غرب کارون شامل میادینی نظیر یادآوران، آزادگان شمالی و جنوبی است. با وجود اینکه این میادین از ظرفیت بالایی برخوردار هستند، تأخیرات مکرر در اجرای پروژه‌ها به دلیل مشکلات مدیریتی، کمبود سرمایه‌گذاری و نبود برنامه‌ریزی منسجم باعث شده است که تولید از این میادین به کندی پیش رود. در برخی موارد، تأخیر در تکمیل زیرساخت‌ها و مشکلات فنی باعث توقف پروژه‌ها برای ماه‌ها یا حتی سال‌ها شده است.

عدم توجه به تحقیق و توسعه و نوآوری در فناوری

صنعت نفت ایران به دلیل نبود تمرکز کافی بر تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین، از رقبا عقب مانده است. کشورهای دیگر در حال استفاده از فناوری‌های جدید برای افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید هستند، در حالی که ایران همچنان به روش‌های سنتی متکی است.

عدم استفاده از فناوری‌های EOR بازیافت پیشرفته نفت، بسیاری از میادین نفتی ایران به مرحله‌ای رسیده‌اند که نیاز به استفاده از فناوری‌های پیشرفته بازیافت نفت دارند، اما به دلیل کمبود تحقیق و توسعه و عدم استفاده از این فناوری‌ها، بازدهی این میادین به شدت کاهش یافته است. میادینی نظیر مسجد سلیمان و مارون به دلیل عدم استفاده از این فناوری‌ها، بازدهی کمتری نسبت به پتانسیل واقعی خود دارند.

مدیریت ضعیف منابع انسانی و خروج نخبگان

یکی دیگر از مشکلات مدیریتی در صنعت نفت، نبود توجه کافی به نیروی انسانی و خروج نخبگان از کشور است. این موضوع به دلیل عدم ارائه پاداش‌های مناسب، محیط کاری نامطلوب و کمبود فرصت‌های پیشرفت حرفه‌ای رخ داده است.

بسیاری از کارشناسان و متخصصان صنعت نفت به دلیل مشکلات مدیریتی و نبود فرصت‌های حرفه‌ای مناسب، به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. این خروج نخبگان باعث شده که شرکت‌های نفتی ایران با کمبود نیروی متخصص مواجه شوند و این موضوع به کاهش کارایی پروژه‌ها و افت کیفیت عملکرد منجر شده است طوری که شرکت‌های نفت بین‌المللی در حوزه خلیج فارس از همین کارشناسان بهره می‌برند.

مدیریت نادرست در صنعت نفت ایران باعث هدررفت منابع، تأخیرات پروژه‌ای، کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و در نهایت کاهش بهره‌وری شده است. حل این مشکلات نیازمند تغییرات اساسی در رویکردهای مدیریتی، به‌کارگیری فناوری‌های نوین، جذب و حفظ سرمایه‌گذاری‌های خارجی، و تقویت تحقیق و توسعه است.

خطاهای مدیریتی در مدیریت شهری و شهرداری‌ها

مدیریت شهری و شهرداری‌ها به ویژه در کلان‌شهرهایی مانند تهران، با چالش‌های زیادی روبروست. در اینجا به بررسی

بزرگ‌ترین خطاهای مدیریتی شهرداری‌ها، به خصوص شهرداری تهران، با ذکر مثال‌های دقیق و جزئیات می‌پردازیم:

مدیریت ناکارآمد منابع مالی و بودجه

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های مدیریتی در شهرداری‌ها، به ویژه شهرداری تهران، مدیریت ناکارآمد منابع مالی و بودجه است. این مشکل به عدم اجرای پروژه‌های زیرساختی، کمبود خدمات شهری و فساد مالی منجر شده است.

بسیاری از پروژه‌های عمرانی در تهران، از جمله توسعه بزرگراه‌ها و ایجاد فضاهای سبز، به دلیل کمبود بودجه و مشکلات مالی، به تعویق افتاده‌اند یا به‌طور کامل ناتمام مانده‌اند. برای مثال، پروژه‌های توسعه خطوط مترو به دلیل مشکلات مالی و تأخیر در تخصیص بودجه، به کندی پیش رفته و برخی از ایستگاه‌ها و خطوط هنوز تکمیل نشده‌اند. این تأخیرات به افزایش ترافیک و مشکلات حمل‌ونقل عمومی منجر شده است.

مدیریت ناکارآمد پروژه‌های عمرانی و زیرساختی

برخی پروژه‌های عمرانی و زیرساختی به دلیل نقص در برنامه‌ریزی، مدیریت ضعیف و تأخیر در اجرا با مشکلات جدی مواجه شده‌اند.

پروژه‌هایی مانند تونل‌های بزرگراهی و توسعه معابر در تهران به دلیل برنامه‌ریزی نادرست، تأخیر در تأمین مصالح و تجهیزات، و عدم هماهنگی بین پیمانکاران، با مشکلات زیادی مواجه

شده‌اند. برای مثال، پروژه تونل بزرگراه رسالت به دلیل مشکلات مالی و فنی، با تأخیرات طولانی مدت روبرو شده و این مسئله باعث اختلال در ترافیک و افزایش مشکلات حمل‌ونقل شده است.

نقص در مدیریت بحران و عدم آمادگی برای بلایای طبیعی

مدیریت بحران در شهرداری‌ها، به ویژه در کلان‌شهرها، نیاز به آمادگی کامل و استراتژی‌های مؤثر دارد. نقص در این زمینه می‌تواند به افزایش آسیب‌ها و تلفات در مواقع بحران منجر شود.

تهران در ناحیه‌ای زلزله‌خیز واقع شده و آمادگی برای بحران‌های زلزله یکی از نیازهای اصلی شهرداری است. با این حال، به دلیل ضعف در برنامه‌ریزی و عدم اجرای مؤثر استراتژی‌های مقابله با زلزله، بسیاری از ساختمان‌های قدیمی و آسیب‌پذیر در برابر زلزله نوسازی نشده‌اند. این نقص در آمادگی می‌تواند به افزایش خسارات و تلفات در صورت وقوع زلزله منجر شود.

مدیریت ناکارآمد پسماند و آلودگی محیط زیست

مدیریت پسماند و آلودگی محیط زیست یکی از مسائل مهم در کلان‌شهرها است که به دلیل ضعف در برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی، با مشکلات جدی مواجه شده است.

جمع‌آوری و مدیریت زباله‌ها در تهران به دلیل کمبود منابع و ضعف در اجرای سیستم‌های مدیریت پسماند با مشکلات زیادی روبرو است. برخی مناطق تهران با مشکلات جدی در جمع‌آوری زباله‌ها و مدیریت مکان‌های دفن زباله مواجه هستند، که به آلودگی‌های زیست‌محیطی و مشکلات بهداشتی منجر شده است. به عنوان مثال، منطقه‌هایی که در حاشیه‌های شهر واقع شده‌اند، به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب، با مشکلات جدی در جمع‌آوری و مدیریت زباله‌ها مواجه هستند.

عدم توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی

در بسیاری از موارد، مسائل اجتماعی و فرهنگی مانند نابرابری‌های اجتماعی، کمبود فضاهای عمومی و فرهنگی، و مشکلات مربوط به تنوع فرهنگی به طور کافی در برنامه‌های شهرداری مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

تهران به دلیل رشد سریع جمعیت و توسعه شهری، با کمبود فضاهای عمومی و تفریحی مواجه است. برنامه‌ریزی ناکافی برای توسعه پارک‌ها، مراکز فرهنگی و فضاهای عمومی باعث شده که بسیاری از شهروندان نتوانند به راحتی از امکانات تفریحی و فرهنگی بهره‌مند شوند. به عنوان مثال، کمبود پارک‌ها و فضای سبز در برخی از مناطق به ویژه در مناطق کم‌درآمد، به کاهش کیفیت زندگی و نارضایتی عمومی منجر شده است.

عدم نظارت و فساد اداری

فساد اداری و ضعف در نظارت بر اجرای پروژه‌ها و خدمات شهری می‌تواند به هدررفت منابع مالی و مشکلات جدی در ارائه خدمات منجر شود.

برخی از پروژه‌های عمرانی و خدمات شهری در تهران به دلیل فساد اداری و مشکلات در نظارت بر قراردادهای پیمانکاری با مشکلات جدی مواجه شده‌اند. برای مثال، در برخی موارد، قراردادهای پیمانکاری به صورت غیرشفاف و بدون نظارت کافی امضا شده‌اند، که به هدررفت منابع مالی و کاهش کیفیت پروژه‌ها منجر شده است.

مدیریت ناکارآمد در شهرداری‌ها، به ویژه شهرداری تهران، شامل مسائل مختلفی از جمله مدیریت مالی، پروژه‌های عمرانی، بحران‌ها، محیط زیست، و مسائل اجتماعی است. برای بهبود وضعیت، نیاز به برنامه‌ریزی جامع، اجرای مؤثر سیاست‌ها، و نظارت دقیق بر پروژه‌ها و خدمات شهری وجود دارد. توجه به این مشکلات و اجرای راهکارهای مناسب می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایت شهروندان منجر شود.

و اما بزرگترین خطای مدیریتی، خطای قانون گذاری ست

استفاده از کلماتی گنگ و دو پهلو که عموم مردم متوجه معنای آن نمی‌شوند حتی حقوق دان ها هم برای فهم معنای کلمات

به کتاب قانون مراجعه می کنند یا نیاز به تفسیر قانون دارد و همین امر سبب سوء استفاده از قانون شده که راه را برای کلاه برداران و قانون گذاران باز کرده است مثل استفاده از کلمه اختیارات در یک سری مجموعه قوانین که به افراد اجازه می دهد تحت شرایط خاصی قراردادهای را فسخ کنند، با وجود مزایای خود، می تواند مشکلاتی نیز برای مردم و قانون گذار به وجود آورد. در ادامه به برخی از این مشکلات اشاره می کنم:

پیچیدگی و ابهام در قوانین برای مثال، عموم مردم به درستی ندانند که در چه شرایطی می توانند از خیار غبن یا خیار عیب استفاده کنند یا سوء استفاده از اختیارات برای فسخ قراردادهای به نفع خود، که منجر به افزایش دعاوی حقوقی و کاهش اعتماد عمومی به نظام حقوقی می شود این موضوع به ویژه در قراردادهای تجاری و اقتصادی مشکلاتی ایجاد کرده، زیرا طرفین قرارداد نگرانند که قراردادهای خود را فسخ شود.

که موجب بار اضافی بر سیستم قضایی می شود در نتیجه منجر به طولانی شدن فرآیندهای قضایی و افزایش هزینه های دادرسی می شود.

یکی از مثال های بارز مشکلات قانون اختیارات، مربوط به خیار غبن است. در برخی موارد، افراد با ادعای اینکه در معامله ای دچار ضرر شده اند، از خیار غبن استفاده می کنند تا قرارداد را فسخ کنند. این موضوع می تواند منجر به افزایش دعاوی حقوقی و کاهش اعتماد به نظام حقوقی می شود که اخیراً برخی از کلاه برداری ها با استفاده از همین خیار صورت گرفته است.

برای حل این مشکلات، نیاز به بازنگری و اصلاح قوانین مربوط به خیارات، افزایش آگاهی عمومی و آموزش حقوقی، و ایجاد سازوکارهای مناسب برای جلوگیری از سوءاستفاده از خیارات است.

قانون خیارات، با وجود مزایای خود در حمایت از حقوق طرفین قرارداد، می‌تواند مشکلاتی نیز به همراه داشته باشد. این مشکلات شامل پیچیدگی و ابهام در قوانین، سوءاستفاده از خیارات، کاهش ثبات قراردادهای، و بار اضافی بر سیستم قضایی است. برای حل این مشکلات، نیاز به بازنگری و اصلاح قوانین، افزایش آگاهی عمومی و آموزش حقوقی، و ایجاد سازوکارهای مناسب برای جلوگیری از سوءاستفاده از خیارات است.

خطاهای قانون‌گذاری در ایران می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر عملکرد و کارایی نظام حقوقی و اجرایی کشور داشته باشد. برخی از این خطاها و چالش‌ها عبارتند از:

تورم تقنینی: تصویب تعداد زیادی قوانین بدون توجه به نیازها و اولویت‌های واقعی جامعه است که منجر به پیچیدگی و ابهام در قوانین می‌شود و اجرای آن‌ها را دشوار کرده است.

نهادهای قانون‌گذار به جای تمرکز بر کیفیت قوانین، به تصویب تعداد زیادی قوانین می‌پردازند. این موضوع به دلایل مختلفی از جمله فشارهای سیاسی، نیاز به پاسخگویی سریع به مشکلات اجتماعی و اقتصادی، و یا عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف قانون‌گذار رخ می‌دهد.

در حوزه حقوق کیفری، تعداد زیادی قوانین و مقررات تصویب شده‌اند که برخی از آن‌ها با یکدیگر تناقض دارند و اجرای آن‌ها را برای مجریان قانون دشوار کرده است که منجر به سردرگمی و کاهش کارایی نظام حقوقی شده است.

برای مقابله با تورم تقنینی، نیاز به بازنگری و تنقیح قوانین موجود و تمرکز بر تصویب قوانین با کیفیت و هماهنگ با نیازهای واقعی جامعه است.

تناقض در قوانین : نبود هماهنگی بین نهادهای قانون‌گذار و یا عدم توجه به قوانین موجود در زمان تصویب قوانین جدید شده است.

تناقض در قوانین باعث شده که دو یا چند قانون در مورد یک موضوع خاص، احکام متفاوت یا متضادی داشته باشند. این تناقضات ناشی از عدم هماهنگی بین نهادهای قانون‌گذار، عدم توجه به قوانین موجود در زمان تصویب قوانین جدید، یا تغییرات سریع در شرایط اجتماعی و اقتصادی است.

یکی از تناقضات در قوانین در ایران، مربوط به قوانین مربوط به مالکیت و اراضی است. در برخی موارد، قوانین مربوط به اراضی ملی و منابع طبیعی با قوانین مربوط به مالکیت خصوصی در تضاد هستند که منجر به مشکلات حقوقی و اجرایی برای افرادی شده است که در این حوزه‌ها فعالیت می‌کنند.

برای حل این مشکل، نیاز به بازنگری و هماهنگی بین قوانین مختلف و ایجاد یک سیستم قانون‌گذاری منسجم و هماهنگ است.

عدم تدوین و تنقیح قوانین : منجر به باقی ماندن قوانین ناکارآمد و غیرقابل اجرا در نظام حقوقی شده و کارایی آن را کاهش داده است.

قوانین قدیمی که با شرایط فعلی جامعه و نیازهای آن همخوانی ندارند، همچنان در نظام حقوقی باقی مانده اند که منجر به ایجاد مشکلاتی در اجرای قوانین و کاهش اعتماد عمومی به نظام حقوقی شده است بازنگری و به‌روزرسانی قوانین قدیمی به بهبود کارایی و اثربخشی نظام حقوقی کمک می‌کند.

یکی از مثال‌های بارز قوانین مربوط به تجارت و بازرگانی است. بسیاری از قوانین، با شرایط فعلی بازار و نیازهای اقتصادی همخوانی ندارند. این موضوع منجر به ایجاد مشکلاتی برای کسب‌وکارها و کاهش رقابت‌پذیری آن‌ها در بازارهای بین‌المللی شده است.

برای حل این مشکل، نیاز به بازنگری و به‌روزرسانی قوانین قدیمی و تدوین قوانین جدید با توجه به شرایط و نیازهای فعلی جامعه است.

نقص در نظارت بر اجرای قوانین : منجر به عدم اجرای صحیح و کامل آن‌ها شده است که این موضوع اعتماد عمومی

به نظام حقوقی را کاهش داده و باعث افزایش تخلفات و فساد شده است.

این نظارت باید به گونه‌ای باشد که اطمینان حاصل شود قوانین به درستی و به طور کامل اجرا می‌شوند. نظارت ناکافی و عدم پیگیری مناسب منجر به عدم اجرای صحیح قوانین می‌شود. این موضوع به دلایل مختلفی از جمله کمبود منابع، عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف، و یا فساد در نهادهای نظارتی رخ می‌دهد.

با وجود تصویب قوانین متعدد حفاظت از محیط زیست، نظارت ناکافی بر اجرای این قوانین منجر به تخریب محیط زیست و افزایش آلودگی‌ها شده است. در برخی از مناطق صنعتی، عدم نظارت کافی بر تخلیه فاضلاب‌های صنعتی به رودخانه‌ها و دریاچه‌ها منجر به آلودگی شدید آب‌ها شده است.

عدم توجه به نیازهای واقعی جامعه: منجر به عدم کارایی و اثربخشی قوانین شده و مشکلات اجتماعی و اقتصادی را تشدید کرده است که ناشی از عدم مشورت کافی با کارشناسان و ذینفعان، فشارهای سیاسی، و یا عدم دسترسی به داده‌ها و اطلاعات دقیق می‌باشد. نتیجه این وضعیت، تصویب قوانینی است که نه تنها مشکلات موجود را حل نمی‌کنند، بلکه مشکلات جدیدی را ایجاد کرده‌اند.

برخی از قوانین کار که با هدف حمایت از کارگران تصویب شده‌اند در عمل منجر به افزایش هزینه‌های کارفرمایان و کاهش اشتغال می‌شوند. این موضوع در شرایط اقتصادی دشوار، منجر به افزایش نرخ بیکاری و کاهش فرصت‌های شغلی می‌شوند.

مقاومت در برابر تغییرات : در مواجهه با تغییرات سریع اجتماعی و تکنولوژیکی باعث سردرگمی و افزایش هزینه‌ها شده است که ناشی از :

منافع گروه‌های خاص از وضعیت موجود است به همین دلیل در برابر تغییرات مقاومت کنند.

همچنین ترس از ناشناخته‌ها با عدم قطعیت‌ها و ناشناخته‌هایی همراه است که باعث ترس و مقاومت می‌شوند.

دلیل دیگر عدم آگاهی و آموزش در مورد مزایا و ضرورت تغییرات است که منجر به مقاومت می‌شود.

با وجود پیشرفت‌های سریع در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، قوانین مربوط به این حوزه‌ها به کندی به‌روزرسانی می‌شوند. به عنوان مثال، قوانین مربوط به تجارت الکترونیک و حفاظت از داده‌های شخصی هنوز به‌طور کامل با استانداردهای بین‌المللی همگام نشده‌اند که منجر به مشکلاتی مانند عدم اعتماد کاربران به سیستم‌های دیجیتال و کاهش رقابت‌پذیری کسب‌وکارهای ایرانی در بازارهای جهانی شود.

برای حل این مشکل، نیاز به ایجاد فرهنگ پذیرش تغییرات، افزایش آگاهی و آموزش، و ایجاد سازوکارهای مناسب برای تسهیل و تسریع فرآیندهای تغییر و نوآوری است.

عدم شفافیت در فرآیند قانون گذاری : منجر به کاهش اعتماد عمومی به نهادهای قانون گذار شده است در صورت ایجاد شفافیت منجر به افزایش مشارکت عمومی و بهبود کیفیت قوانین می شود.

شفافیت در فرآیند قانون گذاری به معنای دسترسی عمومی به اطلاعات مربوط به مراحل مختلف تصویب و اجرای قوانین، از جمله مشورت‌ها، جلسات، و تصمیم‌گیری‌ها است. عدم شفافیت می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد، من جمله:

عدم انتشار عمومی اطلاعات مربوط به فرآیند قانون گذاری، عدم مشارکت کافی شهروندان و ذینفعان در فرآیند قانون گذاری، عدم ارائه گزارش‌های شفاف و دقیق از مراحل مختلف تصویب و اجرای قوانین.

یکی از مثال‌های بارز عدم شفافیت در فرآیند قانون گذاری در ایران، مربوط به تصویب برخی قوانین اقتصادی است. به عنوان مثال، در برخی موارد، قوانین مالیاتی بدون مشورت کافی با کارشناسان و ذینفعان تصویب می‌شوند و اطلاعات مربوط به مراحل مختلف تصویب این قوانین به‌طور عمومی منتشر

نمی‌شود. این موضوع منجر به نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد به نهادهای قانون‌گذار شده است.

برای حل این مشکل، نیاز به افزایش شفافیت در فرآیندهای قانون‌گذاری، مشارکت دادن عمومی و ذینفعان در این فرآیندها، و ارائه گزارش‌های شفاف و دقیق از مراحل مختلف تصویب و اجرای قوانین است.

برای بهبود نظام قانون‌گذاری در ایران، توجه به این نکات و ایجاد تغییرات لازم در فرآیندها و سیاست‌ها ضروری است.

خطاهای قانون‌گذاری در کشورهای مختلف می‌تواند به دلایل مختلفی رخ دهد و تأثیرات متفاوتی داشته باشد. در ادامه به برخی از خطاهای قانون‌گذاری در آلمان و چین اشاره می‌کنم:

آلمان

پیچیدگی و بوروکراسی: یکی از مشکلات عمده پیچیدگی و بوروکراسی زیاد در فرآیند قانون‌گذاری است. این موضوع منجر به طولانی شدن زمان تصویب قوانین و کاهش کارایی آنها شده است.

تناقضات قانونی: وجود تناقضات بین قوانین فدرال و ایالتی یکی دیگر از مشکلات قانون‌گذاری در آلمان است. این تناقضات منجر به سردرگمی و مشکلات اجرایی شده است.

مقاومت در برابر تغییرات : مانع از بهبود و پیشرفت نظام قانون‌گذاری شده این موضوع به ویژه در مواجهه با تغییرات سریع اجتماعی و تکنولوژیکی اهمیت خود را نشان می‌دهد.

چین

عدم شفافیت : در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تصویب قوانین منجر به کاهش اعتماد عمومی به نظام حقوقی شده است.

تمرکز قدرت : در دست نهادهای خاص و عدم توزیع مناسب قدرت بین نهادهای مختلف منجر به تصویب قوانین ناعادلانه و ناکارآمد شده است.

عدم توجه به حقوق بشر : منجر به نقض حقوق شهروندان و کاهش اعتماد عمومی به نظام حقوقی شده است.

در حالی که هر دو کشور با چالش‌های خاص خود در زمینه قانون‌گذاری مواجه هستند، تفاوت‌های عمده‌ای نیز بین آن‌ها وجود دارد. در آلمان، مشکلات بیشتر به پیچیدگی و بوروکراسی زیاد و تناقضات قانونی مربوط می‌شود، در حالی که در چین، مشکلات بیشتر به عدم شفافیت و تمرکز قدرت مربوط است اما چالش‌های ایران ترکیبی از این دو و بخشی از آن نیز بومی و منحصر به ایران است.

توجه به این نکات می‌تواند به بهبود کارایی و اثربخشی نظام حقوقی کمک کند و اعتماد عمومی به قوانین و نهادهای قانونی را افزایش دهد.

نتیجه گیری:

خلاصه ای از مطالب کتاب

خطاهای مدیریتی به صورت کاملاً سلسه وار به هم متصل اند، خطا در هر بخشی به سرعت می تواند به دیگر بخش ها تسری پیدا کند، برای جلوگیری از این خطاها باید به قانون گذاری توجه ویژه‌ای گردد، چهارچوب قانون گذاری باید کاملاً مشخص ترسیم شود و به صورت کاملاً شفاف و با نظارت مردم اجرا شود. در صورتی که در بخش های کلان تصمیم گیری ها به درستی صورت گیرد.

در کل می توان گفت کشور گرفتار مدیرانی شده که توانایی حل مسئله را ندارند و شاید هم عامدانه قصدی برای حل مشکلات ندارند.

در ایران بر عکس کشورهای موفق، مدیران تاوان خطاهایشان را نمی پردازند و هزینه این خطاها را مردم و جامعه باید بپردازند. به همین دلیل است که اشخاص نالایق که برای حفظ منافع اشخاص خاص بر مسندهای مدیریتی تکیه می زنند که نه تجربه ای در آن دارند و نه از خطاها درس می گیرند.

و البته تکرار این خطاها منجر به مرگ سرزمین می شود.

توصیه نهایی برای مدیران

۱- رهبری با همدلی و ارتباطات باز: مدیران باید ارتباطی شفاف و مؤثر با تیم خود داشته باشند و به نیازها و نظرات آن‌ها گوش دهند. این امر به ایجاد اعتماد و تقویت روحیه تیم کمک می‌کند .

۲- نوآوری و انعطاف‌پذیری: در دنیای سریع و پویای کسب‌وکار، مدیران باید آماده تغییرات باشند و با ایجاد محیطی که نوآوری و خلاقیت را تشویق کند، سازمان را برای موفقیت بلندمدت آماده کنند.

۳- توانمندسازی کارکنان: مدیران موفق از توانمندسازی کارکنان خود از طریق ارائه آموزش، فرصت‌های توسعه حرفه‌ای و واگذاری مسئولیت‌ها حمایت می‌کنند. این کار باعث افزایش انگیزه و بهره‌وری می‌شود.

۴- مدیریت زمان و منابع: بهره‌وری به توانایی مدیریت منابع و زمان بستگی دارد. مدیران باید اولویت‌های کسب‌وکار را به درستی تعیین کرده و منابع لازم را به بهینه‌ترین شکل اختصاص دهند.

۵- توجه به داده‌ها و تحلیل‌ها: تصمیم‌گیری مبتنی بر داده‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. مدیران باید از ابزارهای تحلیلی بهره ببرند تا استراتژی‌های دقیق و کارآمد تدوین کنند.

۶- پایبندی به اصول اخلاق: مدیران باید با حفظ اخلاق حرفه‌ای و رعایت مسئولیت‌های اجتماعی سازمان، به ایجاد اعتماد و اعتبار در بین ذینفعان داخلی و خارجی کمک کنند.

منابع و مراجع

۱- ویکی پدیا

۲- osint.ir

۳- مدیران و چالش های تصمیم گیری-بیزمن

۴- ensani.ir

۵- تجارت نیوز

۶- فردای اقتصاد

۷- سایت خبری دانشجو

۸- دنیای اقتصاد

۹- ایرنا